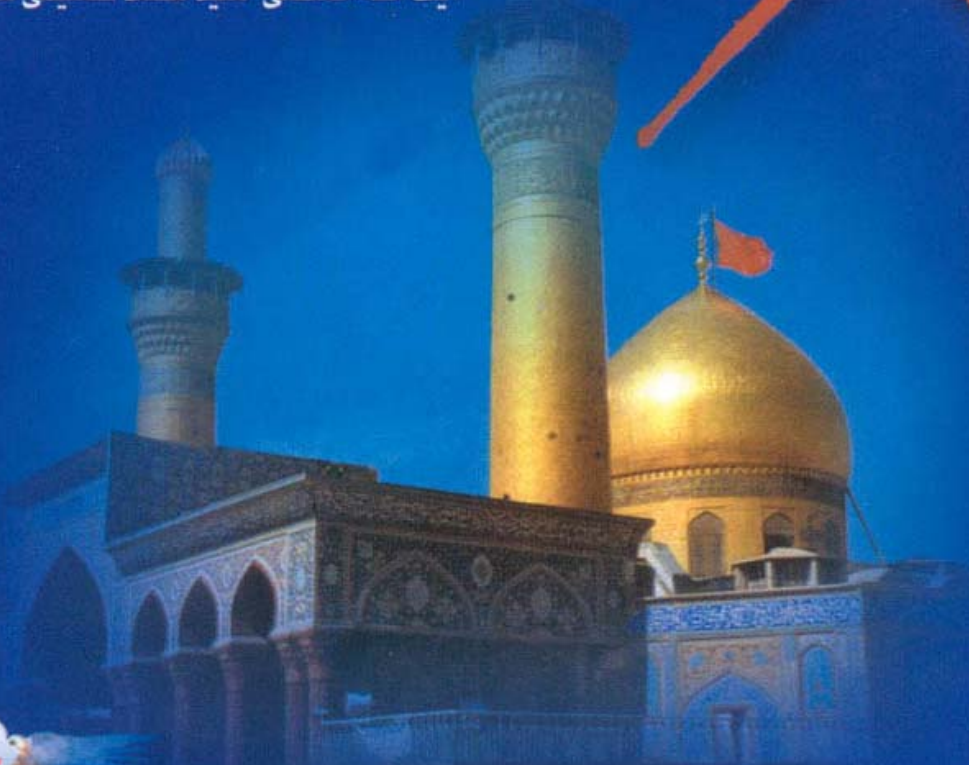


حسین امام بشریت رمز سعادت

آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی (دام ظلہ)



طبع هذا الكتاب على نفقة المرحوم المغفور له الحاج على الحبشى

مشخصات

نام کتاب: امام حسين عليه السلام رمز سعادت بشریت
مؤلف: آية الله العظمى سيد محمد حسينى شيرازى (دام ظلّه)
شمارگان: ۵۰۰۰

ناشر: مؤسسه دارالمهدى و القرآن الحكيم

تاريخ چاپ: محرم ۱۴۲۲

نوبت چاپ: دوم (اول ناشر)

مؤسسه دارالمهدى و القرآن الحكيم

حسينيه كربلائيهاى اصفهان

WWW.SHAAER.COM

فهرست مفردات

۵..... طلعه ناشر

بخش اول: پرتوی از مکتب امام حسین علیه السلام

۷..... امام حسین علیه السلام کیست؟

۸..... شهادت امام حسین علیه السلام

۱۱..... مبارزات امام حسین علیه السلام

۱۲..... شعائر و عزاداریها

۱۴..... ارتباط منبر و امام حسین علیه السلام

۱۵..... پیشرفت وسایل تبلیغی

۱۶..... سوگواریهای امام حسین علیه السلام

۱۷..... خدمت امام حسین علیه السلام به اسلام

۱۸..... آثار مجالس عزاداری

۲۰..... پرچم امام حسین علیه السلام

۲۰..... تعطیلی دهه محرم

بخش دوم: اسراری از نهضت امام حسین علیه السلام

۲۳..... هدف امام حسین علیه السلام

- شهادت آگاهانه ۲۵
- مشکلات جهان اسلام ۲۸
- امت واحده ۲۹
- اخوت اسلامی ۳۱
- آزادی ۳۲
- شورا ۳۴
- روش تطبیق ۳۵
- شعائر امام حسین علیه السلام ۳۷

بخش سوم: بهره‌برداری از عاشورا

- تبلور کرامات و ارزشهای اخلاقی ۵۱
- مسئولیت‌های اجتماعی ۵۴
- توجه و عنایت به مؤسسات و ترمیم آنها ۵۷
- بازگرداندن حقوق انسانها ۶۱
- بازگشتی به اسلام ۶۴
- ترغیب و تشویق افراد بر کسب و تجارت ۶۷
- دعوت و هدایت به اسلام ۷۰
- جمع‌آوری کمکهای خیریه ۷۳
- کوشش در رفع فسادهای اجتماعی ۷۵
- رعایت و عنایت به انسانها ۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طلیعه ناشر

سخن گفتن درباره امام حسین علیه السلام مانند نفس کشیدن می ماند گرچه مکرر است اما برای ادامه حیات و رهایی از مشکلات فراوان دنیا و آخرت لازم و ضروری است. درباره زندگی سیدالشهدا علیه السلام کتابهای بسیاری نوشته شده که مشتمل بر هزار مجلد است، با این همه ناگفته های فراوانی باقی مانده است که بیان و تبیین آنها تحقیقاتی گسترده تر و تألیفاتی افزون تر می طلبد.

مؤسسه دارالمهدی و القرآن الحکیم حسینیہ کربلائیهای اصفهان به عنوان یکی از دهها مؤسسه و نهادی که در راستای وظیفه مقدس شناسایی حقوق عالم خصوصاً وجود شریف امامان راستین: در جامعه کنونی فعالیت می کنند، متعهد است که قدمهای در این راه را ارج نهد و از هر محقق، مؤلف و هنرمندی که در این زمینه فعالیت می کند با تمامی امکانات استقبال نماید، بدین امید که جوانان عزیز با پیشوایان معصوم آشنا گردند و راه بهتر زیستن را بیاموزند.

کتاب حاضر که مجموعاً چند گفتار پیرامون سرور آزادگان جهان امام حسین علیه السلام از تألیفات مؤلف صاحب نام و مرجع تقلید جهان اسلام حضرت آیه الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی «دام ظلّه» است و در ادای همین تعهد در دسترس علاقمندان به اهل بیت: قرار می گیرد، امید است که مقبول در گاه خداوند متعال واقع شود.

مؤسسه فرهنگی دارالمهدی و القرآن الحکیم

حسینیہ کربلائیهای اصفهان

بخش اول

پرتوی از مکتب

امام حسین علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام حسین علیه السلام کیست؟

امام حسین علیه السلام نواده پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، فرزند امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و جگر گوشه ملکه اسلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و برادر امام مجتبی علیه السلام و پدر نه امام است.

آن حضرت در سوم شعبان سال چهارم هجری چشم به دنیا گشود و در روز عاشورا سال ۶۱ هجری در سرزمین کربلا، در راه دفاع از دین و فضیلت به شهادت رسید و در مکانی که هم اکنون زیارتگاه مسلمانان است مدفون گشت.

حضرت امام حسین علیه السلام و پدر و برادر و فرزندان بزرگوارش: امامان ما هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنها را به فرمان الهی به جانشینی خود برگزیدند و پیروی از آنان بر تمامی مسلمانان واجب می باشد.

بر حسب اعتقاد شیعه، پیامبر و صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و دوازده امام، همه معصوم و از هر گونه گناه و لغزش به دورند.

شهادت امام حسین علیه السلام

پس از آنکه خلافت و جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بر خلاف دستور حضرتش از مسیر خود منحرف گشت، زمانی هم یزید فرزند معاویه با اعمال فشار و توسل به زور و تهدید و ترغیبهای فراوان بر مسند خلافت تکیه زد و در واقع زمام امور مسلمین به دست فردی افتاد که نه تنها لیاقت اداره جهان اسلام، بلکه حتی لیاقت اداره کوچکترین منصب و مقام در حکومت اسلامی را هم نداشت و با این حال کفر باطنی خود را آشکار نموده و بر زبان می آورد که بهترین شاهد بر این مدعی شعر معروف او است:

لَعِبَتْ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ^۱

یزید با این عقیده وحی و نبوت را انکار کرده است!

علاوه بر این، مردی فاسق و خیانت پیشه بود، اکثر اوقات خود را به گناه و محرمات الهی می گذراند، بسیار می گساری می کرد، با اطرافیان خود قماربازی می کرد و به کارهای زشت دیگر هم آلوده بود، علاقه زیادی به بازی با میمون و یوزپلنگ داشت، همواره به اسلام و مقدسات دین اهانت می کرد و در برخورد با مسلمانان مردی خودرأی، جنایت پیشه و سفاک بود با شدیدترین روش دیکتاتوری بر مردم حکومت می کرد و آنها را از تمامی آزادیهای خود محروم نموده، هر صدا و حرکت آزادیخواهی را در نطفه خفه می کرد و می رفت تا آخرین امیدها را مأیوس و تمامی آثار باقیمانده دین مبین اسلام را نابود و آثار جاهلیت را بر جامعه تحمیل نماید.

۱- « بنی هاشم (پیامبر و اهل بیت): با خلافت بازی کردند و در واقع نه خبری آمده و نه وحیی نازل شده است.»

بدین جهت حضرت امام حسین علیه السلام همراه با اهل بیت و اصحاب با وفای خود از سرزمین حجاز و مکه مکرمه به سوی سرزمین عراق حرکت نموده و برای اصلاح در امت جد بزرگوارش و امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود. چنانچه خود فرمود: « حَرَجْتُ لَطَبَ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ »^۱.

در سرزمین کربلا با لشکر بنی امیه که از طرف ابن زیاد فرماندار یزید در کوفه گرد آمده بودند روبرو شد و در این پیکار مقدس و نابرابر امام و اهل بیت و یارانش مظلومانه شهید شدند!

در حالی که عدد لشکریان ابن زیاد و عمر سعد دهها هزار بودند، بالاترین رقم در مورد عدد اصحاب و یاران حضرت امام حسین علیه السلام از یکصد و پنجاه نفر تجاوز نمی کرد. با این حال سپاه یزید بدترین رذالتها و شرارتهای را در این روز به نمایش گذاردند.

آب را بر روی خاندان رسالت بستند، فرصت نماز و عبادت را هم به آنها ندادند، پیر و جوان آنها را کشتند و حتی کودک شیرخوار امام حسین علیه السلام را هم غرقه به خون کردند، پس از شهادت فرزند رسول خدا و یارانش بر بدن مطهر آنها اسب دواندند، سر مبارک آن حضرت و یاران باوفایش را از بدنهای جدا کردند و بر سرنیزهها زدند و در شهرها و روستاها در معرض دید مردم قرار دادند.

خیمهها را به آتش کشیدند، کودکان خردسال را می زدند، اموال خاندان پیامبر را چپاول کردند، زنان و کودکان را به اسیری بردند، آنها را با ریسمان به هم بستند، بر پشت شتران برهنه سوارشان کردند و در بیابانها به این سو و آن سو بردند، گاه از شدت گرما بدنهایشان می سوخت و گاه از شدت سرما به خود می لرزیدند، به بچهها لباس و غذا نمی دادند، اگر

۱- من برای اصلاح امت جدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین برای امر به معروف و نهی از منکر قیام نمودم.

کودکی یتیم و یا داغ‌دیده‌ای در غم عزیز خود گریه می‌کرد با ضربات شلاق او را ساکت و بدن جگرگوشه‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را سیاه می‌کردند. با چنین وضع دلخراشی کاروان اسیران را به کوفه آوردند و در مجلس عمومی ابن‌زیاد وارد کردند و چه اهانتها و اذیتها که نسبت به این کاروان مصیبت دیده روا نداشتند. چند روز آنان را به زندان انداختند و سپس به سوی شام پایتخت حکومت عصیانگر یزید روانه کردند. در شام آنها را در خرابه‌ای جا دادند، یزید آنها را به مجلس عمومی حاضر کرد و چه اهانتها که به ذریه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روا نداشت؟! در همان مجلس با کمال بی‌شرمی بر لبها و دندان مبارک سبط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌زد و این شعر را می‌خواند:

لیت أشياخی بیدر شهدوا
جزع الخزرج من وقع الأسل
لاهلوا و استهلوا فرحاً
ثم قالوا یا یزید لا تشل^۱

بعد از آن همه مصیبت‌های دردناک بچه‌های امام حسین علیه السلام را به جانب مدینه گسیل داشت.

از دیگر جنایات یزید، این سردمدار ظالم و کافر، حمله او به خانه کعبه و خراب نمودن آن است که تمام این ننگها بر دامن بنی‌امیه در تاریخ ضبط گردیده است.

۱- «ای کاش پدرانم که در جنگ بدر کشته شدند، اینک بودند و می‌دیدند که من چگونه خزرج را بیچاره کردم، تا از این منظر خوشحال می‌شدند و می‌گفتند: یزید دستت شل مباد!».

مبارزات امام حسین علیه السلام

حضرت امام حسین علیه السلام با شهادت خویش دستگاه حکومت یزید را متزلزل ساخت، زیرا به دنبال شهادت آن حضرت انقلابهای دامنه‌داری در شهرهای مختلف اسلامی علیه بنی‌امیه آغاز شد تا جایی که یزید چند روز آخر عمر خود را به سختی و در بدترین حالات به پایان رسانید.

حکومت ننگین یزید بیش از سه سال دوام نیاورد حتی دوران زمامداری سلسله بنی‌امیه از عمر یک انسان تجاوز نکرد و سرانجام این دودمان برای همیشه نابود گردید.

آری، امت اسلامی بر ضد دولت بنی‌امیه نهضتها و کارشکنیها آغاز نمودند و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام با شهادت مظلومانه خویش تمامی نقاط ضعف و انحراف حکومت بنی‌امیه را که تماماً مخالف با قوانین و سنت اسلام بود به مردم نشان دادند و چنان نیرویی به وجود آوردند که حتی قرن‌ها بعد مردم به راحتی خرابیها و انحرافات خلفای اسلامی را شناخته و در طول حیات بشریت حق و باطل مشخص گردد.

در واقع قیام حضرت امام حسین علیه السلام بهترین درس برای آنهایی است که می‌خواهند در سایه دین زندگی سعادت‌مندان‌ای داشته باشند و این قیام همچون مشعل فروزانی بر جهان و جهانیان می‌درخشد و خود سرمشق بزرگی است برای اجتماع بشری و به همگان درس آزادی و آزادگی می‌دهد.

« گاندی » رهبر مشهور هند گفته است:

« درس رهبری و آزادی را از حسین علیه السلام آموختم ».

اینجاست که باید گفت: « دوام اسلام و مسلمین تا روز قیامت مرهون فداکاریهای حضرت امام حسین علیه السلام است، همان طوری که در گرو رنجهای طاقت‌فرسای رسول اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم و نبردهای بزرگ امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام بوده است.»

شعائر و عزاداریها

نهضت امام حسین علیه السلام مربوط به زمان مخصوصی نبوده تا در زمانهای بعد فراموش شود، بلکه نبرد حق و باطل، عدالت و ظلم، انسانیت و وحشیگری و نبرد هدایت و گمراهی بود.

از این رو تا دنیا برپا است مظلومیت حضرت امام حسین علیه السلام و نهضت مقدس آن حضرت فراموش شدنی نخواهد بود و هرگاه میان حق و باطل پیکاری درگیرد، خاطره آن مجاهدتها زنده می شود.

بنا به اهمیت و نقش سازنده این نهضت مقدس بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سالها پیش از وقوع آن، مسلمانان را در برگزاری مراسم عزاداری و زنده نگه داشتن این قیام تشویق فرمود و ائمه طاهرین: هم نسبت به این مجالس تأکید فراوانی داشتند.

امت اسلامی در تبعیت از دستور رهبران دینی خود در سطح وسیع در مناطق مختلف دنیا با برگزاری مجالس عزاداری و سوگواری، نسبت به سرور شهیدان علیه السلام و اهل بیت: و یاران آن حضرت عرض ارادت می نمایند و معنای « هر روزی عاشورا و هر زمینی کربلاست»^۱ را عملاً انجام می دهند.

اما نحوه برگزاری مراسم عزاداری به هر صورت که انجام پذیرد جایز است مگر آنجا که از طرف شرع مقدس منع شده و حرام باشد. مانند اینکه کسی به عنوان عزاداری « خودکشی»

۱- « كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءَ وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءَ ».

کند همان طور که بوداییها برای رسیدن به هدفهای دینی و ملی دست به خودکشی می‌زنند! اما اسلام از قتل نفس نهی کرده است و قرآن می‌فرماید:

﴿ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ﴾^۱

بنابراین هر نوع عزاداری که دلیل خاصی بر حرام بودنش نباشد جایز، بلکه مستحب و پسندیده است و خود یکی از مصادیق آیه شریفه: ﴿ وَمَنْ يُعْظَمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴾^۲ می‌باشد.

تمسخر بعضی افراد جاهل و نادان نسبت به بعضی از شعائر دینی و مذهبی دلیل نمی‌شود که ما آن را عمل شایسته‌ای ندانیم. قرآن کریم درباره کافرانی که پیامبران و برنامه‌های تبلیغی آنان را به تمسخر می‌گرفتند می‌فرماید:

﴿ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ ﴾^۳

۱- « هرگز به قتل نفس و خودکشی راضی نشوید »، سوره نساء: آیه ۲۹.

۲- « کسی که شعائر خدا را بزرگ و محترم بشمارد (خوشا به حال او، چرا که) این صفت از دل‌های باتقوی بروز می‌کند »، سوره حج: آیه ۳۲.

۳- « افسوس بر حال بندگان نادانی که نیامد بر آنها پیامبری، مگر آنکه او را مورد استهزای خود قرار دادند »، سوره یس: آیه ۳۰.

ارتباط منبر و امام حسین علیه السلام

یکی از وسایلی که نهضت حضرت امام حسین علیه السلام را گسترش داده و اساس این قیام را تا کنون در اجتماع و اذهان مردم زنده نگاه داشته، منبر است، از این رو مسلمانان پس از شهادت آن حضرت منبر را وسیله نشر آثار این پیکار مقدس قرار دادند.

برای تبلیغ دین منبر چه وسیله خوبی است! اما باید در جهت کار آیی و استفاده هرچه بهتر و بیشتر از آن دو شرط را بیشتر مورد توجه قرار دهیم:

در مرحله اول: نسبت به ازدیاد و گسترش هرچه بیشتر مجالس عزاداری، وعظ و ارشاد فعالیت شود چون تمام شهرها و نقاط اسلامی شیفته گوینده و تشنه مسائل دینی هستند تا با شنیدن امتیازات و خصوصیات اسلام از حقایق دین اسلام آگاهی بیشتری پیدا کنند.

معلوم است که تبلیغ هم وقت معینی ندارد بلکه باید همیشه و همراه با مسیر زندگی افراد بشر باشد، همان طوری که بدن هر روز به غذا احتیاج دارد، فکر و روح نیز نیازمند به غذای دائمی است و نباید آن را از نظر دور داشت. اضافه بر این منبرهایی که اکنون موجود است یک دهم نیازمندیهای ما را تأمین نمی کند و اینجاست که بر توده مسلمین لازم است با خطبا و گویندگان همکاری کنند و با گسترش مجالس، در سراسر شهرهای اسلامی و حتی غیر اسلامی این واجب مهم و حیاتی را ادا کنند.

در مرحله دوم: باید منبرها متین و عمیق باشد، چون قیام مقدس حضرت امام حسین علیه السلام تنها به خاطر زنده نگه داشتن دین اسلام و اعلائی کلمه حق بود و روشن است که این مهم انجام نمی شود مگر اینکه گوینده دینی بتواند این قیام را با عقیده، تفسیر، تاریخ، احکام و اخلاق اسلامی ارتباط دهد و قوانین اسلام را در شئون مختلف زندگی مانند: سیاست، اقتصاد، تمدن، مذهب، معاشرت، خانواده که هر یک دلیل قاطع و برهان محکم بر امتیاز اسلام بر سایر ادیان و مکتبها است به دیگران برساند.

با چنین منبرهای پرمحتوایی می‌توان در راه پیشرفت مسلمانان قدم برداشت و اگر این دو جنبه در منبر رعایت گردد حق بزرگی ادا شده است. آن دسته از اهل منبر که با دقت و اخلاص، این جنبه‌ها را در نظر داشتند همه بزرگ و عالی‌مقام شدند و ما امیدواریم که دیگران نیز از آنان پیروی نمایند!

پیشرفت وسایل تبلیغی

در گذشته وسایل تمدن و فرهنگ منحصر به مدرسه‌های دینی و منبرها و کتابها بود و اجتماع هم در سایه این امور، نیازهای مذهبی خود را می‌آموخت. اما امروز مدرسه‌های جدید (رادیو، تلویزیون، سینما، روزنامه، مجله، کامپیوتر، ماهواره و اینترنت) پدیدار گشته که باید مسلمانان با چنین وسایل پیشرفته‌ای برنامه‌های اسلامی را مطابق با نهضت و هدف مقدس امام حسین علیه السلام اجرا کنند به طوری که در هر شهر و قریه، خانه و مدرسه، کارگاه و سربازخانه، عموم مردم با آنها آشنا شده و استفاده کنند. چون قیام و حرکت خونین حضرت امام حسین علیه السلام با اینکه تأثیر بسیار ارزشمند و والای آن نهضت مقدس هرگز با تحولات علمی پدید آمده از سوی دانشمندان و نهضتهایی که در عصرهای مختلف و با رنگ و بوی تمدن و رهایی امتهای از ظلم و ستم به وقوع می‌پیوندند قابل مقایسه نیست، جای بسی تأسف است که انسان امروزی در جهت نیل به اهداف مادی خود از صنایع و وسایل تبلیغی جدید کمال استفاده را می‌نماید، اما در مسائل روحی و معنوی در اندیشه به کارگیری وسایل پیشرفته امروزی نمی‌باشد.

سوگواریهای امام حسین علیه السلام

پر واضح است که میان ظواهر و مقاصد ارتباط شدیدی وجود دارد و در روایت هم آمده است: « مردم را با رفتار و کردار صادقانه خویش به سوی خوبیها دعوت کنید نه با زبان ». بنابراین لازم است در عزاداریها به نحو ممکن صاحبان مجالس، کارکنان، شنوندگان، شرکت کنندگان در دسته‌ها و هیئتها آنچه که اسلام واجب دانسته مثل: « انجام واجبات و ترک محرمات » و آنچه را مستحب شمرده مانند: « اخلاق فاضله و نظافت مجالس از آلودگیها و دوری از کارهای تنفرآمیز » را کاملاً رعایت کنند.

و عزاداران و دسته‌ها از کارهایی که برای یک انسان عزادار زننده و احیاناً خلاف شرع می‌باشد جداً دوری نمایند، مثلاً نباید خانمها بدون رعایت حجاب و یا با زینت و آرایش در مجالس حسینی شرکت کنند، یا اینکه افراد عزادار، جاده‌ها و راههای عمومی یا جاهایی که برای آب آشامیدنی معین شده است را آلوده سازند.

همچنین باید نسبت به پاکیزه بودن ظروف غذاخوری و وسایل چای و آب آشامیدنی و هر وسیله‌ای که به نحوی در مجالس مورد استفاده قرار می‌گیرد دقت کافی به عمل آید که دین اسلام همواره بر رعایت نظافت و پاکیزگی و دوری از آلودگی و پلیدیهای ظاهری و باطنی تأکید فراوان دارد و حضرت امام حسین علیه السلام برای زنده نگه داشتن اسلام و عمل به دستورات این آیین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم خود را فدا کرده است و زبان حال حضرت بر آن اشاره دارد که می‌فرماید:

اگر دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم جز به شهادت من استوار نمی‌گردد پس ای شمشیرها مرا دربرگیرید.

در یکی از زیارت‌های آن حضرت چنین می‌خوانیم:

« أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ طَهْرَتْ وَ طَهْرَتْ بِكَ الْبِلَادُ وَ طَهْرَتْ أَرْضُ أُتَتْ بِهَا وَ طَهْرَ حَرَمُكَ »^۱

همچنین از دیگر موضوعات بسیار مهم آن است که نمازهای اول وقت ترک نشود، زیرا امام علیه السلام روز عاشورا در حالت بحرانی که تیر مثل باران به سوی آن حضرت و اصحابش می‌بارید نماز جماعت خواندند!

و بدیهی است که در اینگونه محافل و مجالس لازم است از کارهایی که باعث اختلاف و ناراحتی می‌گردد جداً خودداری شود.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا ﴾^۲

(به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید).

خدمت امام حسین علیه السلام به اسلام

بر هر مسلمان لازم است به وسیله مکتب امام حسین علیه السلام به اسلام خدمت کند. چون مکتب آن حضرت، بهترین وسیله برای نشر و تبلیغ اسلام است، این هدف در صورتی عملی می‌شود که بدانیم چگونه از این نیروی بزرگ استفاده کنیم، زیرا آن قدرت روحی را که امام حسین علیه السلام ایجاد کردند قوی‌ترین نیرویی است که جهان بشریت از زمان آدم تا کنون به خود دیده است.

۱- « شهادت می‌دهم که شما پاک و پاکیزه هستید و به وسیله شما شهرها و هر سرزمینی که در آن باشید از هر بدی و آلودگی پاک می‌شود و شهادت می‌دهم که خاندان شما همه طاهرند ».

۲- سوره آل عمران: آیه ۱۰۳.

مشاهده نکرده‌اید که چگونه مردم به دلیل مظلومیت آن حضرت جمع می‌شوند که این کار جز در سایه معنویت امام حسین علیه السلام امکان‌پذیر نیست!

وقتی داستان کودک شیرخوار امام حسین علیه السلام به میان می‌آید انسان هرچه هم سخت‌دل باشد و یا اصلاً اعتقاد به دین نداشته باشد باز متأثر شده و اشک از دیدگانش جاری می‌گردد و در آن لحظه برای اندرز و هدایت آمادگی لازم را پیدا می‌کند و اندیشه‌اش هر نوع ارشاد و اصلاح را می‌پذیرد.

آثار مجالس عزاداری

یکی از تجار آفریقا که مرد فهمیده و دانشمندی می‌باشد برنامه‌اش این است که هر سال دهه محرم به طور رایگان برای تبلیغ و برپایی مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام به یکی از شهرهای آفریقا می‌رود.

این تاجر برای من تعریف کرد: یک‌بار در دهه محرم و ایام عاشورا به شهری وارد شدم که واعظ و خطیب نداشت و من آمادگی خود را برای وعظ و خطابه اعلام نمودم، مردم شهر هم استقبال کردند تا اینکه وقت نماز رسید، اما هرچه گوش دادم صدای اذان نشنیدم! پس به خانه‌ای که سیاه‌پوش بود و جمعیت زیادی برای عزاداری در آن جمع بودند وارد شدم و به یکی از افراد حاضر در مجلس گفتم: چرا در محلّ شما صدای اذان شنیده نمی‌شود!

جواب داد: اذان چیست؟!

گفتم: اذان ... نماز ...

گفت: نماز چیست؟!

گفتم: مگر شما مسلمان نیستید؟

گفتند: اسلام چیست؟!

با تعجب پرسیدم: شما چه مذهبی دارید؟!

گفت: ما بودایی هستیم.

گفتم: پس چرا برای حسین علیه السلام عزاداری می کنید؟

گفتند: ما در عزاداری از گذشتگان خود پیروی می کنیم، آنها هم با اینکه بودایی بودند،

برای حسین علیه السلام عزاداری می کردند!

بالای منبر رفتم و گفتم: ای مردم! نام حسین علیه السلام و عزاداری حسین علیه السلام به

شهر شما آمده است، اما جد حسین علیه السلام، پدر حسین علیه السلام و دین حسین علیه

السلام به منطقه شما هنوز نیامده است! بیاید حسین علیه السلام را واسطه قرار دهیم، تا دین،

جد و پدر او هم به شهر شما قدم گذارد.

از آن روز مشغول به بیان احکام اسلام شدم و اسلام را به آنها معرفی کردم، هنوز دهه

محرم تمام نشده بود که همه اهالی آن شهر از کوچک و بزرگ، فقیر و غنی، مسلمان و شیعه

شدند.

می بینیم افراد غیر مسلمان و غیر شیعه هم برای امام حسین علیه السلام مراسم عزاداری

برگزار می کنند و بهترین شاهد آن سوگواریهای بسیار مفصلی است که در هند و پاکستان و

آفریقا مرسوم است.

۱- بودا، در هندوستان زندگی می کرد، ۴۸۰ سال قبل از میلاد از دنیا رفت و بوداییان پیرو مکتب او هستند.

پرچم امام حسین علیه السلام

یکی از دانشمندان کراچی برای من نقل کرد که کشیشی به او گفته بود: اگر مسیحیت تنها شخصیتی همچون حسین شما در اختیارش بود تمام جهان را به زیر پرچم و آیین خود درمی آورد. در تمامی نقاط جهان در هر جا پرچمی به نام او برمی افراشت و مردم را به دور آن جمع می کرد و آنگاه برنامه های تبلیغی خود را منتشر می ساخت. اما شما مسلمانها نمی دانید چگونه از حسین علیه السلام در جهت پیشبرد اهداف اجتماعی و دینی خود استفاده کنید.

مثل ما مثل تاجری است که میلیونها تومان پول دارد اما راه تجارت را نمی داند. ما مسلمانان همانند مردمی هستیم که بر روی دریایی از نفت زندگی می کنند اما هرگز به فکر استخراج این ماده حیاتی نیستند تا از منافع آن، از جمله فروغ و روشنایی بهره مند شوند و همچنان در تاریکی و سرمای کشنده به سر می برند. آیا به راستی آنچه را که مسلمانان از این مشعل هدایت و کشتی نجات در جهت پیشبرد هدفهای تبلیغی اسلام استفاده نمودند چون قطره ای در برابر دریا نیست؟!

تعطیلی دهه محرم

سزاوار است مسلمانان جهان دهه محرم را تعطیل و عزای عمومی اعلام کنند و سراسر شهرهای اسلامی را سیاه پوش نمایند و دسته جات و هیئات عزاداری را به راه اندازند و هدف آنها از این عمل تبلیغ دین و نشر احکام و پایدار شدن عقیده و جلب توجه افکار به مبادی زنده و جاوید اسلام باشد.

به وسیله مجالس عزاداری دیگران باید متوجه مراکز مسلمانان شوند چنانچه مسیحیان این حرکت تبلیغی و جلب توجه افکار عمومی جهان نسبت به خود را در میلاد حضرت عیسی علیه السلام انجام می دهند.

علاوه بر آنکه بدون شک تأثیر حزن و اندوه در افکار توده‌ها به مراتب بیش از تأثیر شادی و سرور است و این امر در « روان‌شناسی » ثابت شده است.

این مطلب مهم را استعمارگران درک کردند و در صدد کوبیدن شعائر مذهبی و مجالس سوگواری حضرت امام حسین علیه السلام برآمدند و با عناوین مختلف برپایی اینگونه مجالس را در کشورهای تحت سلطه خود ممنوع ساختند.

وقتی به یکی از رهبران بزرگ کفار گفته شد: « آیا سربازانت می‌توانند ده هزار سخنران و عالمان دینی را نابود کنند؟! » گفت: این کار درست نیست، کار مفید این است که کربلا از بین برود، زیرا تا وقتی که نقش حسین علیه السلام و آثار او در خاطره‌ها برقرار است، وعاظ و گویندگان جاوید و اسلام و عقیده مسلمانان استوار است.»

کربلای مقدس

محمد شیرازی

بخش دوم

اسراری از نهضت

امام حسین علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

هدف امام حسین علیه السلام

سؤال: نهضت حضرت امام حسین علیه السلام برای چه بود؟

جواب: نهضت خونین حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای احیای دین اسلام بود، زیرا این دین الهی با نقشه‌های شوم و شیطانی بنی‌امیه در خطر نابودی و اضمحلال قرار گرفته بود که آن حضرت با خون مبارک خود درخت دین را آبیاری و اهداف بنی‌امیه را ریشه کن نمود.

سؤال: « دین » یعنی چه؟

جواب: به راه و روشی که انسانها را به سعادت دنیا و آخرت سوق دهد « دین » می‌گویند و خود مشتمل بر سه امر است:

۱- عقیده

۲- گفتار

۳- کردار

سؤال: « عقیده » چیست؟

جواب: « عقیده » به معنای پذیرفتن اصول دین است که شامل: « توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد » می‌باشد.

سؤال: مراد از « گفتار » چیست؟

جواب: گواهی دادن به یگانگی خداوند متعال و رسالت پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اعتراف به امامت ائمه طاهرین: که این انوار مقدسه عبارتند از:

(۱) حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.

(۲) حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام.

- ۳) حضرت امام حسین علیه السلام.
 - ۴) حضرت امام زین العابدین علیه السلام.
 - ۵) حضرت امام محمد باقر علیه السلام.
 - ۶) حضرت امام جعفر صادق علیه السلام.
 - ۷) حضرت امام موسی کاظم علیه السلام.
 - ۸) حضرت امام رضا علیه السلام.
 - ۹) حضرت امام جواد علیه السلام.
 - ۱۰) حضرت امام هادی علیه السلام.
 - ۱۱) حضرت امام حسن عسکری علیه السلام.
 - ۱۲) حضرت امام عصر حجه بن الحسن المهدي عَجَلَّ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ.
- همچنین اعتراف و اقرار به مقام عصمت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام.

سؤال: مراد از « کردار » چیست؟

جواب: پایبند بودن انسان به تمام دستورات الهی بدین ترتیب که واجبات را به جا آورده و محرمات را ترک نماید و بهتر آن است که مستحبات را انجام داده و مکروهات را رها کند و در انجام مباحات مخیر است.

سؤال: آیا ملتزم بودن به « عقیده، گفتار و کردار » فایده و اثری هم دارد؟

جواب: بهترین و خوشایندترین ثمره و اثر که سعادت در دنیا و فلاح و رستگاری در آخرت است را به دنبال دارد.

شهادت آگاهانه

سؤال: آیا حضرت امام حسین علیه السلام از شهادت خود در روز عاشورا آگاه بودند و با یقین به آن، قیام فرمودند؟

جواب: حضرت سیدالشهدا علیه السلام علم قطعی به شهادت خود داشتند چنانکه کراراً به آن اشاره نمودند از جمله هنگام خروج از مدینه و مکه و حرکت به سوی عراق، البته علت قیام خود را تنها برای احیا و نجات دین مبین اسلام بیان فرمودند و ما پس از گذشت قرن‌ها به وضوح می‌بینیم که از مهم‌ترین علل حفظ و صیانت دین از گزند حوادث و کید دشمنان تا به امروز واقعه خونین کربلا و شهادت آن حضرت می‌باشد.

سؤال: آیا امام حسین علیه السلام به هدف مقدس خود که احیای دین اسلام بود رسیدند؟
جواب: آری، قیام عاشورا هم وسایل رسوایی و نابودی و اضمحلال کامل سلسله بنی‌امیه و دیگر دشمنان دین را فراهم آورد و هم حقیقت و حقانیت دین را بر همه جهانیان روشن نمود.

سؤال: اگر امام حسین علیه السلام به هدفشان رسیدند، پس چرا امروزه بسیاری از مسلمانان - با بیش از یک میلیارد و نیم جمعیت - در بدترین حالات: فقر، جهل، مرض و هرج و مرج بسر می‌برند؟

چرا در اغلب کشورهای اسلامی استبداد و جنگ و خونریزی است،^۱ و این دشمنان اسلام هستند که بر مسلمانان حکومت می‌کنند؟

جواب: هدف از قیام حضرت سیدالشهدا علیه السلام را به طور خلاصه می‌توان اینگونه جمع‌بندی نمود:

۱- به طور مثال: در هند «مسجد بابری»، کشمیر، افغانستان، عراق، فلسطین، لبنان، بوسنی‌هرزگوین

الف) رسوا نمودن و ریشه کن کردن دودمان بنی‌امیه: زیرا با تکیه بر پول و اسلحه بر سرزمینهای اسلامی سیطره یافته و در فکر نابودی اسلام بودند و به قدری قدرت و نفوذ داشتند که همه افراد، تفوق بر آن دودمان و شکست آنها را امری غیرممکن می‌دانستند و در حقیقت خشکانیدن این شجره خبیثه نه تنها موجب حیات دوباره اسلام و مسلمین شد، بلکه بزرگ‌ترین خدمت به جهان بشریت به حساب می‌آید و با قیام آن حضرت علیه السلام، ظلم و ظالم، جور و استبداد برای همیشه رسوا گردید.

ب) تصحیح اعتقادات دینی: یکی از مفسده‌های بنی‌امیه آن بود که برای مخدوش جلوه دادن دین و اعتقادات اسلامی و دور نمودن مردم از خط واقعی اسلام که همان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت: است و برای استحکام پایه‌های حکومت خود، دست به جعل احادیث و نشر عقاید باطل مانند « جبر »، « تفویض »، « تجسیم » و... زدند و شهادت حضرت امام حسین علیه السلام خط بطلانی بر همه تحریفها و انحرافات عقیدتی بنی‌امیه بود و سبب شد تا عقاید صحیح دینی و سیمای نورانی و زیبای مکتب اسلام و مذهب تشیع بار دیگر از پشت غبار حکومت بنی‌امیه نمایان شده و بدرخشد.

امروز به برکت آن قیام مقدس اعتقادات صحیح و مبادی دین در میان صدها میلیون مسلمان شیعه منتشر و در هزاران کتاب ثبت و ضبط شده و در شرق و غرب عالم به زبانهای مختلف منتشر شده است.

ج) تصحیح رفتار و کردار انسانها: در سایه حکومت جبار بنی‌امیه حرکات و رفتارهای مردم رنگ و بوی وحشیگری، تندخویی، استبداد، بی‌عفتی و غیر انسانی به خود گرفته بود که حضرت امام حسین علیه السلام بار دیگر مکارم اخلاق را که جد بزرگوارشان به انسانیت هدیه فرموده بودند را زنده کرده و مردم را به شاهراه انسانیت در همه مراحل زندگی هدایت نمودند.

اگر امروز شاهد گرفتاری مسلمانان و نابسامانی در کشورهای اسلامی هستیم همه ناشی از دور شدن مسلمانها از اسلام و عمل نکردن به دستورات این شریعت مقدس می‌باشد.

سؤال: اگر حضرت امام حسین علیه السلام استبداد را ریشه کن فرمودند، چرا امروزه شاهد سلطنت حکام مستبدی چون صدام و امثال او و تحت فشار و شکنجه قرار دادن امت اسلامی و به یغما بردن همه ثروت‌های کشورهای اسلامی از سوی آنها هستیم؟

جواب: قیام حضرت امام حسین علیه السلام نه تنها موجب سرنگونی و نابودی بنی‌امیه گردید، بلکه زمینه همه نهضت‌هایی که به سرنگونی دودمان بنی‌عباس و بسیاری از حاکمان ستمگر در طول تاریخ انجامید را فراهم ساخت و راه و رسم زندگی صحیح و دفاع از حریم دین و احکام الهی و نیز روش پایداری و مجاهدت با ظلم و جور و حاکمان مستبد و خودرأی را برای همیشه به مردم جهان آموخت تا در پرتو آن زندگی با شرافتی داشته باشند و با مراجعه به منابع تاریخ می‌توان بر این حقیقت واقف شد.^۱

آری، تقصیر رفتاری کنونی مسلمانان در مشکلات فراوان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره از خود آنهاست، همان‌طور که کلید و علاج و درمان این بیماریها نیز به دست ایشان می‌باشد و مرحوم شیخ بهایی چه زیبا سروده است:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست

سؤال: مثالی برای این مطلب بیاورید؟

جواب: در اینجا برای توضیح بیشتر به مثالی اشاره می‌کنیم: اگر یک طبیب حاذق که بیماری را به خوبی تشخیص می‌دهد، دستورات لازم برای بهبودی بیمار را صادر کرد، آیا تنها تشخیص مرض و تعیین نحوه معالجه بدون عمل به دستور طبیب، بیمار درمان می‌شود؟ در صورتی که بیمار به دستورات طبیب توجه نکرد، چه کسی مقصّر است، طبیب یا بیمار؟ حضرت سیدالشهدا علیه السلام راه علاج و درمان جامعه گرفتار و غوطه‌ور در مشکلات و راه و روش نیل به سعادت در دنیا و آخرت را برای همه نسلها روشن فرمودند و به شهادت

۱- از جمله « گاندی » رهبر استقلال هند می‌گوید: من از حسین علیه السلام آموختم که چگونه مظلوم باشم تا پیروز شوم.

تاریخ در زمان شیخ مفید قدس سره، سید مرتضی قدس سره، علامه حلی قدس سره، فخر المحققین قدس سره، محقق کرکی قدس سره، شیخ بهائی قدس سره، علامه مجلسی قدس سره و دیگر علما و بزرگان شیعه چون امت اسلامی نسبتاً به این دستورات حیات بخش عمل می کرد در اوج عزت و سعادت و در کمال خیر و رفاه بسر می برد و هیچ یک از صدها و هزاران مشکلات امروزی را که امتهای اسلامی با آن دست به گریبان است نداشت، بلکه این دشمنان اسلام بودند که در دریایی از بدبختی و عقب افتادگی و جهل و نادانی بسر می بردند.

مشکلات جهان اسلام

سؤال: آیا مشکلات امروزه جهان اسلام قابل علاج و درمان است؟

جواب: آری! دین اسلام و مکتب اهل بیت: محدود به زمان خاص و امت و قوم خاصی نبوده و نیست، بلکه برای همه بشریت در طول قرون و اعصار می باشد و برای تمامی مشکلات و نیازهای بشر، درمان و راه مناسب را بیان فرموده است.

سؤال: علاج و درمانی که لازم است مسلمانان به آن عمل کنند تا مجدداً عزت و آقایی از

دست رفته خود را باز یافته و از سیل مشکلات فزاینده کنونی رهایی یابند چیست؟

جواب: علاج مشکلات امروزه مسلمانان در سایه عمل به این چهار امر ممکن است:

۱ - امت واحده

۲ - اخوت اسلامی

۳ - آزادی

۴ - شورا

امت واحده

باید امت واحدی که خدای متعال در آیه شریفه به آن اشاره فرموده: ﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾^۱ و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آن را پایه‌ریزی و تحقق بخشیدند در جامعه کنونی اسلامی تحقق یابد. آیا امروز امت اسلامی یک امت واحد است یا آنگونه که می‌بینیم به دهها امت بیگانه از هم تقسیم شده است؟! سؤال: مقصود از «امت واحده» چیست؟

جواب: «امت واحده» به این معنی است که باید تمام مرزهای جغرافیایی از میان کشورهای اسلامی برداشته شود و یک حکومت و دولت عظیم و گسترده اسلامی تشکیل شود.

سؤال: آیا تشکیل چنین حکومت گسترده و بزرگی با توجه به شرایط امروز دنیا ممکن است؟

جواب: بهترین شاهد بر امکان تحقق این امر دو کشور «هند» و «چین» می‌باشند که تا حدود نیم‌قرن قبل، دهها و بلکه صدها حکومت خود مختار بودند، اما با همه اختلافات در دین، عقیده، لغت، آداب و رسوم به همت مردمشان مرزها و حدود بی‌مفهوم و غیرواقعی را از میان برداشتند به طوری که امروز به صورت دو حکومت بسیار وسیع و پرجمعیت درآمده‌اند، که بر اساس آخرین آمارهای منتشره، کشور هند یک دولت مستقل با جمعیتی حدود هزار میلیون و کشور چین یک دولت مستقل با جمعیتی حدود هزار و سیصد میلیون می‌باشد و اکنون نیز زمزمه‌های لزوم اتحاد اروپا و برچیدن مرزهای جغرافیایی از میان همه کشورهای اروپایی و حرکت به سوی اروپای متحد شنیده می‌شود.

۱- «این امت شما (امت اسلامی) تنها یک امت است»، سوره مؤمنون: آیه ۵۲.

چگونه دیگران با همه اختلافات موجود میان خود در دین و مبادی و عقاید و آداب و رسوم و قبایل متحد شدند و یا اروپائیان به این نتیجه رسیدند که مرزها و تشتهای و قوانین ساختگی که به پاره پاره شدن ملت‌ها انجامیده نه تنها بی‌ثمر بوده، بلکه مانع بسیاری از تقدمها و پیشرفت‌ها است اما امتی که دین و آیین و کتاب و پیامبرش یکی است و قرن‌ها یک امت بوده نمی‌تواند متحد و یکپارچه باشد؟!!

و حال آنکه خداوند متعال وعده فرموده است: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾^۱.

همچنین پروردگار متعال فرموده است: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾^۲.

البته وعده خدای متعال حق و صادق است، چنانکه فرموده: ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾^۳.
و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾^۴.

۱- «اگر خدا را یاری کنید، خدا شما را نصرت داده و گم‌هایتان را استوار می‌سازد»، سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم: آیه ۷.

۲- «اگر خداوند شما را یاری کند کسی بر شما پیروز نخواهد شد»، سوره آل عمران: آیه ۱۶۰.

۳- «چه کسی از خداوند راستگوتر است؟»، سوره نساء: آیه ۱۲۲.

۴- «چه کسی از خداوند صادق‌تر است؟!»، سوره نساء: آیه ۸۷.

اخوت اسلامی

دومین امری که باید مسلمانان به آن عمل کنند تا از مشکلات فعلی رهایی یافته و عزت از دست رفته خود را باز یابند این است که برادری و اخوت اسلامی به میان مسلمانان بازگردد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^۱

اما متأسفانه اکنون مسلمانان نه تنها با هم برادر نیستند، بلکه یکدیگر را بیگانه می‌خوانند. چنانچه اخوت اسلامی در جامعه حاکم باشد هر فرد مسلمان می‌تواند در هر کشور از کشورهای اسلامی از تمامی مزایا و آزادیهای فردی و اجتماعی دین مبین اسلام برخوردار باشد که موارد ذیل از آن جمله است:

- ۱) به تمام بلاد اسلامی سفر کند بی آنکه نیازی به گذرنامه، ویزا و مانند آنها داشته باشد.
- ۲) بدون در نظر گرفتن تابعیت این دولت یا آن دولت، بتواند بر طبق موازین شرع مقدس در باب نکاح، به فرد مسلمان مورد نظر دختر بدهد و از خانواده مسلمان مورد نظر دختر بگیرد.
- ۳) حق اقامت و سکونت در هر یک از بلاد اسلامی را که بخواهد، داشته باشد.
- ۴) هیچ محدودیتی در تجارت و صنعت و کسب دلخواه او - بجز درآمدهای حرام - در جای جای کشورهای اسلامی نباشد.
- ۵) بتواند در تمام بلاد اسلامی خانه و زمین و سایر املاک خریداری کند.
- ۶) هیچ گونه منعی در زراعت و ساختن عمارت در هر منطقه از مناطق اسلامی برای او نباشد.

۱- «تمام مؤمنین با هم برادر هستند»، سوره حجرات: آیه ۱۰.

۷) در انجام هرگونه فعالیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و غیره در تمام بلاد اسلامی آزاد باشد اعم از تشکیل حزب، تأسیس و راه‌اندازی رادیو و تلویزیون، انتشار مجله و روزنامه و حتی تلاش و رقابت صحیح برای رسیدن به حکومت و ...

به طور کلی در همه شئون با سایر مسلمانها مساوی باشد چون مسأله زبان، شکل، محل تولد، محل سکونت و امثال آن در اسلام سبب برتری قومی بر قوم دیگر نمی‌شود و همه مسلمانها در حکومت اسلام از حقوق برابر برخوردارند، چنانکه در روایات و تواریخ آمده است که به مجرد آنکه فردی به دین اسلام می‌گروید در همه حقوق با رهبر حکومت اسلامی برابر بود.

آزادی

سومین امری که مسلمانان باید به آن عمل کنند تا از مشکلات فعلی رهایی یافته و به سعادت برسند این است که حریت و آزادی اسلامی به بلاد مسلمانان باز گردد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴾^۱

مراد از « آزادی اسلامی » این است که: هر مسلمانی در هر کشور اسلامی تمامی آزادیها را داشته باشد به طوری که بتواند غیر از محرمات که بسیار کم و محدود است، تمام کارها را به آسانی انجام دهد بدون اینکه نیازی به اخذ مجوز یا پروانه‌ای داشته باشد که ملزم به پرداخت عوارض و مالیاتی گردد.

۱- « ما پیامبر اسلام را فرستادیم تا بارهای سنگین و غل و زنجیری که بر مردم بود باز نموده و به همگان آزادی دهد، » سوره اعراف: آیه ۱۵۷.

بنابراین کلیه مردم در پرتو قوانین صحیح اسلامی از تمامی آزادیها برخوردارند مانند آزادی در: « تجارت و بازرگانی»، « زراعت»، « صنعت»، « سفر»، « اقامت»، « عمران و سازندگی»، « کار و اشتغال»، « حیات مباحات»، « ساخت کارگاه و کارخانه‌های کوچک و بزرگ صنعتی»، « فعالیتهای فرهنگی»، « نشر کتاب و روزنامه و مجله»، « استفاده از رسانه‌های گروهی مانند: رادیو و تلویزیون»، « اظهار نظر و انتقادهای سازنده»، « کاندید نمودن خود در انتخابات»، « تقلید از هر مرجع تقلید جامع شرایط» و... بسیاری از آزادیهای دیگر که به مراتب از آزادیهایی که غرب ادعا می‌کند بیشتر است و اگر غریبه‌ها به آزادیهای اسلام عمل می‌کردند پیشرفت بیشتری داشتند، که ما تفصیل این مطلب را در بعضی از کتابهای خود بیان نموده‌ایم.^۱

بنابراین هیچ فرد یا سازمان یا اداره‌ای حق جلوگیری از آزادیهای مشروع مردم را ندارد و مشروط نمودن اعمال به اخذ مجوز، پروانه، عوارض و مانند آن صحیح نمی‌باشد و ممانعت از این آزادیها که حق مسلم هر انسانی است از محرمات شرعی است زیرا یکی از مهم‌ترین و مشهورترین قوانین فقهی و اسلامی: « النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ » می‌باشد یعنی کلیه انسانها بر اموال و جان خویش تسلط داشته و از آزادی کامل برخوردارند - مگر در محرمات - .

۱- به کتاب « الصیغة الجديدة » از همین نویسنده محترم مراجعه شود.

شورا

چهارمین امری که پیاده کردن آن از برای رهایی از مشکلات و رسیدن به سعادت لازم می‌باشد، این است که اسلوب و روش حکومت در جامعه اسلامی شورایی باشد، نه استبدادی و فردی، چنانکه خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾^۱.

بنابراین هرگونه استبداد و فردگرایی و تک‌حزبی و بی‌اعتنایی به آرا و نظرات و تضييع حقوق دیگران غیر شرعی و حرام است و باید کلیه گروه‌های اسلامی و تمامی روشن‌فکران، آزاد و از آنها استفاده شود و رسانه‌های گروهی در اختیار آنان قرار داده شود.

از طرفی تعدد احزاب و گروه‌ها و انجمن‌ها و ... جهت رقابت سالم در جامعه و نفی استبداد و فردمحوری لازم است و باید شورای فقها در رأس حکومت اسلامی باشد و رئیس دولت با انتخابات کاملاً آزاد تعیین شود و هر چهار سال (بیشتر یا کمتر)، حسب آن چه «شورای فقها» آن را تعیین می‌کند انتخابات تجدید شود.

اما آنچه که در بعضی از کشورهای اسلامی می‌بینیم که فردی بر قدرت تکیه زده و کنار نمی‌رود مانند کشور عراق، جایز نیست.

۱- «مسلمانان در امور با هم مشورت می‌کنند»، سوره شوری: آیه ۳۸.

روش تطبیق

سؤال: راه تطبیق چهار امری که بیان شد چیست؟

جواب: برای پیاده نمودن و تحقق امور یاد شده و تطبیق آن در جامعه، باید در کنار شورای مرجعیت به عنوان محور فعالیتها و خدمات دینی و اجتماعی، دیگر سازمانها و مؤسسات دینی و اسلامی و احزاب و گروههای فعال در مسائل اجتماعی وارد عمل شده، به رعایت و انجام گرفتن امور زیر مبادرت ورزند:

(۱) پیاده شدن صفات اخلاقی در جامعه: چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: « إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ »^۱

« خداوند مرا به رسالت و پیامبری مبعوث گردانید تا اخلاق را در جامعه پیاده کنم. »

و دیدیم که چگونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین: با اخلاق خوب خود مردم را هدایت نمودند.

(۲) دوری کامل از خشونت تندخویی و سختگیری در همه شئون زندگی، زیرا تندی و فشار نتیجه‌ای جز انزجار و دور شدن مردم را در پی ندارد و دین اسلام دین « سلم » و نرمی و آسانی است نه دین خشونت و تندی، بنابراین هرگونه اعدام و دستگیری و شکنجه و مصادره اموال و تجسس بر مردم و تحت فشار قرار دادن آنها جایز نیست، مگر در موارد بسیار کمی که فقها در باب قصاص و حدود و تعزیرات استثنا فرموده‌اند.

(۳) ارتقای سطح فرهنگ مردم: از طریق انتشار و توزیع وسایل تبلیغی مانند: کتاب، روزنامه، مجله، نوار، رادیو، تلویزیون، کامپیوتر، ماهواره و امثال آن و اقل مقدار کتابی که

۱- مستدرک الوسائل: صفحه ۱۸۷، حدیث ۱.

در این زمینه لازم است یک میلیارد و ششصد میلیون کتاب به عدد جمعیت مسلمانان در سرتاسر جهان می باشد.

۴) پشت کار داشتن: به طوری که فعالیتها به طور مستمر ادامه داشته باشد، چنانکه خداوند در قرآن کریم فرموده است:

﴿الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾^۱

زیرا به تجربه ثابت شده که کارهای مقطعی و کوتاه مدت که به صورت ظاهری و سطحی صورت می گیرد دارای نتیجه مطلوب ریشه‌ای و اساسی نخواهد بود.

۵) اتحاد کلمه: به طوری که اختلافات را کنار گذاشته و از هر گونه تفرقه‌ای بپرهیزند، چنانکه خداوند متعال در قرآن حکیم فرموده:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۲

بر فرد فرد ما لازم است تا در حد توان و قدرت کوشش کنیم تا رسالت حیات بخش اسلام و هدف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین: و مخصوصاً حضرت امام حسین علیه السلام برای همه جهانیان روشن گردد و مسلمانان به آن جامه عمل بپوشانند تا از مشکلات فعلی رهایی یافته و سعادت و عزت و سربلندی خود را بازیابند.

۱- (کسانی که به خداوند ایمان آوردند و استقامت نمودند)، سوره فصلت: آیه ۳۰.

۲- (همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید).

شعائر امام حسین علیه السلام

سؤال: در حال حاضر وظیفه ما نسبت به امام حسین علیه السلام چیست؟

جواب: بر همگی ما لازم است تا از حضرت امام حسین علیه السلام و فلسفه قیام خونین آن حضرت شناخت کامل پیدا نموده و سعی کنیم به همه دستورات حیات بخش پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت: عمل کرده و جهانیان را با این انوار پاک آشنا سازیم و از طرفی نسبت به تعظیم هر چه بیشتر شعائر امام حسین علیه السلام بکوشیم.

سؤال: مقصود از شعائر امام حسین علیه السلام چیست؟

جواب: همه گونه عزاداریهای مرسوم در بین شیعیان و علاقمندان به حضرت سیدالشهدا علیه السلام از مصادیق شعائر حسینی بوده و مشمول این آیه شریفه می باشد:

﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱

در روایت وارده از ائمه طاهرین: بر تشکیل مجالس سوگواری و عزاداری و احیای امر و زنده نگه داشتن یاد اهل بیت: و ذکر مصایب حضرت امام حسین علیه السلام تأکید بسیار شده و برای برپا کنندگان آن ثواب و اجر اخروی فراوانی خواهد بود.
امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أَحْيُوا أَمْرَنَا رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا»^۲

«یاد ما را زنده کنید، خدای رحمت کند آن کسی را که یاد ما را زنده نگه می دارد».

۱- (کسی که شعائر الهی را بزرگ و محترم شمارد، «خوشا به حالش که» به راستی این صفت از قلوب متقی بروز می کند)، سوره حج: آیه ۳۲.

از جمله شعائر آقا امام حسین علیه السلام، می توان به تشکیل مجالس روضه و سوگواری، تأسیس هیئات و حسینیات، برپا نمودن مجالس هفتگی در مساجد و حسینیات و خانه‌ها اشاره نمود.

سؤال: شعائر امام حسین علیه السلام اعم از سینه زنی، زنجیر زنی، قمه زنی و ... چه حکمی دارد؟

جواب: بنابر مشهور بین فقها شعائر امام حسین علیه السلام به هر نحوی که باشد جایز، بلکه مستحب بوده و تا کنون میلیونها نفر به برکت همین شعائر مقدسه و توجه حضرت سیدالشهدا علیه السلام به عزاداران، به اسلام و تشیع گرویده و هدایت شده‌اند.

سؤال: آیا با تمسخر و استهزای افراد نادان نسبت به این شعائر، حکم آن تغییر می کند؟

جواب: تمسخر و استهزا، سبب تغییر حکم نمی شود، بلکه لازم است که افراد ناآگاه را نسبت به فلسفه و اهمیت عزاداری آگاه کنیم.

سؤال: چرا دشمنان اسلام در طول تاریخ همواره از شعائر امام حسین علیه السلام واهمه و ترس داشته و به روشهای مختلف سعی در ممانعت از برگزاری آن می نمودند؟

جواب: زیرا رمز موفقیت و صیانت دین و مکتب تشیع در طول تاریخ، همین شعائر حضرت سیدالشهدا علیه السلام بوده و حکومتهای ظالم همیشه با زنده شدن یاد قیام عاشورا، اساس و پایه‌های حکومت خود را در خطر می دیدند، لذا چاره‌ای جز مخالفت و ممانعت از برگزاری آن نمی دیدند.

در پایان امیدواریم روزی فرا رسد که همه مسلمانان و مردم جهان از مکتب امام حسین علیه السلام، این چراغ پرفروغ هدایت و روشنی بخش بهره‌های کافی و وافی گرفته، در راه سعادت دنیا و آخرت خود گام بردارند.

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾^۱

و الله الموفق المستعان ..

قم مقدس

محمد شیرازی

۱- « و آنان که ظلم و ستم کردند (در حق آل رسول و اهل ایمان) به زودی خواهند دانست که به کیفرگاهی باز خواهند گشت »، سوره شعرا: آیه ۲۲۷.

بخش سوم

بهره برداری از

عاشورا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين.

هان ای عاشورا ...

ای زمانه فیض و عطاء الهی

ای زمانه کسب فضیلت و تقوی و اخلاق

ای هنگامه دانش و شناخت

و ای رمز پیروزی پایه‌های حق بر همه لشکرهای ظلمت و ظلم.

اگر از بزرگ دانشگاه تو گاندی - رهبر هند - هم درس مظلومیت از سرور و آقای شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام می‌آموزد که چگونه مظلوم باشد تا پیروز شود پس مسلمانها و خصوصاً شیعیان، ارادتمندان و دلباختگان آن امام و رهبر آزادگان جهان به آموختن و فراگیری و به کسب فیض و عطیه از این دانشگاه سزاوارتر می‌باشند.

اگر از باران این رحمت الهی که برای زنده کردن زمینهای مرده فرود می‌آید به نحو درست و کامل استفاده شود، رویدن گلها و به بار نشستن درختان میوه‌دار را در پی دارد و زمین را از گلستان و دلها را از شادی و طراوت سرشار می‌نماید و هرچه درجه بهره‌برداری کاهش یابد به همان نسبت سود حاصله کم خواهد شد و اگر از آن بهره‌ای نبرند به اعماق زمین فرو رفته و آدمی را از این نعمت خدادادی زیانی غیرقابل جبران حاصل می‌شود. گاه همین باران رحمت در گودالها و زمینهای پست و پرنشیب جمع شده به مرداب و باتلاقی

تبدیل می‌شود که سبب آلودگی محیط زیست و افزایش بسیاری از بیماریها می‌گردد و بسیارند نعمتهای الهی که وضعی اینگونه دارند.

از میوه‌ای چون انگور که به عنوان نوعی خوراکی استفاده می‌شود، گاهی در معالجه بعضی بیماریها و تقویت جسمی افراد رنجور و بیمار در دوران نقاهت به کار می‌رود و گاهی هم آن را فاسد نموده و به دور می‌ریزند یا از آن شرابی زیانبار می‌سازند.

اول: از مصادیق این آیه شریفه است: ﴿كُلُوا وَ اشْرَبُوا ...﴾^۱

دوم: از مصادیق این آیه شریفه است: ﴿يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا ...﴾^۲

سوم: از بین بردن و زیاده‌روی در مصرف که در قرآن کریم از آن منع شده است: ﴿وَلَا

تُسْرِفُوا﴾^۳ و ﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾^۴

چهارم: کفران و تبدیل نعمت الهی در راه معصیت او از مصادیق این کلام خدای سبحان

است: ﴿الْمُ تَرَّ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا﴾^۵

مواردی که اشاره شد همه در بعد مادی بودند ولی در زمینه معنوی نیز امر اینگونه است

چنانچه پروردگار متعال در شأن قرآن کریم فرموده است:

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾^۶

۱- «از نعمتهای خدا بخورید و بیاشامید»، سوره اعراف: آیه ۳۱.

۲- «بهترین روش آن را اخذ کنند»، سوره اعراف: آیه ۱۴۵.

۳- «و اسراف نکنید»، سوره اعراف: آیه ۳۱.

۴- «آنها که نعمتهای الهی را بیهوده صرف نموده و تلف می‌کنند، برادران شیاطین هستند»، سوره اسراء: آیه ۲۷.

۵- «آیا نمی‌بینی حال آنانی که نعمتهای خدا را به کفر مبدل ساختند»، سوره ابراهیم: آیه ۲۸.

۶- «و فرو فرستیم از قرآن آنچه را که شفای دلها و رحمت بر اهل ایمان است و البته کافران را جز زیان چیزی نمی‌افزاید»، سوره اسراء: آیه ۸۲.

﴿ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ﴾^۱

دهه عاشورا همچون باران می ماند که گاه عاصیان و طاغیان از این مناسبت در جهت خلاف مسیر و اهداف متعالی و والای آن بهره می برند و به کشتار انسانهای بی گناه و سوزاندن مساجد و حسینیه ها و مراکز دینی و یورش بر هیأتها و دسته جات عزاداری و ایجاد فتنه و تفرقه دست می آلاینند چنانکه بعضی گروههای منحرف در کشورهای اسلامی^۲ در راستای اجرای سیاست استعماری (تفرقه اندازان) به اینگونه اعمال غیرانسانی دست می زنند. گاه برخی افراد بی بندوبار و گنهکار از این روزها در جهت ارتکاب محرمات الهی^۳ و اسراف در خوردن و آشامیدن استفاده نموده، اوقات خود را در انجام کارهای بیهوده هدر می دهند.^۴

گاه از این ایام در جهت زنده نگه داشتن یاد و خاطره حضرت سیدالشهدا علیه السلام و فواید و مزایایی که شعائر به همراه دارد استفاده می شود که بی شک این عمل از بهترین و نزدیک ترین راههای تقرب به پروردگار و موجب خیر و سعادت در دنیا و آخرت است.^۵

۱- « به آنها بگو که این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی آورند گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است، بر آنها موجب کوری و ظلال است»، سوره فصلت: آیه ۴۴.

۲- همچون وهابیها و گروه افراطی سپاه صحابه در پاکستان.

۳- مانند اختلاط و پرسه زدنهای حرام بعضی دخترها و پسرها.

۴- چنانکه بعضی جوانها با ازدحام و جمع شدن در خارج حسینیه ها و مساجد یا اطراف دسته جات عزاداری وقت خود را بیهوده تلف می کنند.

۵- جهت آگاهی پیرامون شعائر حسینی و اقسام و ضرورت و اهمیت آن به کتابهای: « بحار الانوار: جلد ۴۵ » تألیف علامه مجلسی قدس سره و « نفس المهموم » تألیف محدث قمی قدس سره و « الشعائر الحسینیة » تألیف آیه الله شهید سید حسن شیرازی قدس سره مراجعه شود.

اما سخن خدای متعال: ﴿يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا﴾^۱ اقتضا می کند که همگان بهترین و کامل ترین استفاده و بهره برداری را در شئون مختلف از این ماه سوگواری بنمایند.

همان طور که خالق سبحان فرموده است: ﴿أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عَمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۲ این مطلب را می رساند که «سیراب نمودن حاجیان» و «تعمیر مسجدالحرام» در پیشگاه خدای متعال از بهترین طاعات است اما برخورداری از ایمانی مستحکم و پایدار و جهاد در راه خدا و حرکت پیگیر در راستای دستورات الهی بسیار بالاتر و والاتر از آن دو کار پسندیده و نیک می باشد.

البته هدف این جزوه بیان راه برتر و فراگیرتر برای بهترین استفاده و بهره برداری ممکن از این مناسبت در جهت خدمت به دین و انسانیت و نجات انسانها از گمراهی و تباهی است. اگر «لنین» - آن جبار ظالم تاریخ - در سخنان خود تصریح می کند: «کربلا را نابود و ویران کنید» هدفش نابودی روح کربلاست که سرتاسر تاریخش مالا مال از رشادتها و به ذلت کشاندن جباران و طاغوتیان است هدف نابودی معنویات اخلاقی و انسانی کربلاست و تا زمانی که کربلا در قلبها و سینه ها زنده است، سرچشمه ای نورافشان و هدایتگر برای دین، دانشگاه و مدرسه ای برای همه علما و سخنوران و نویسندگان و پایگاهی برای فضیلت و ایمان، اخلاق و تقوا باقی خواهد ماند.

اینها همه با اساس و پایه های کمونیسیم مغایر و متناقض است^۳ از این رو فریاد برمی آورد

۱- «به بهترینهای آن اخذ کنند». سوره اعراف: آیه ۱۴۵.

۲- «آیا مرتبه و مقام سقایت و آب دادن به حاجیان و تعمیر نمودن مسجدالحرام را با مقام و مرتبت (حضرت علی علیه السلام) کسی که به خدا و روز جزا ایمان آورده و در راه خدا جهاد نموده، یکسان می دانید؟!»، سوره توبه: آیه ۱۹.

۳- در واقع اساس مکتبها و گروههای منحرف، مخالف با عقل، فطرت و انسانیت و بر خلاف ادیان آسمانی است که از جمله آنها نظام کمونیستی است که با تکیه بر سلاح و وحشیگری، با کشتن دهها میلیون انسان و زندانی نمودن میلیونها انسان آزاده، به قیمت چپاول ثروتها و نابودی ملتها بر

که کربلا را نابود کنید و این تنها سخن لنین نیست پیش از او یزید، حجاج، هارون و متوکل^۱،

کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی و چین در طول نیم قرن حکومت نموده. اساس اعتقاد و حرکت این گروه بر نفی پنج چیز مبتنی است: ایمان، اخلاق، خانواده، ثروت و سرمایه، آزادی.

۱- جوهر رفتار و روش طاغوتها و ستمگران به یک شکل است اگرچه در رنگ و نام متعدد و در زمانهای متفاوت و در نقشه جغرافیایی با هم مختلف و از یکدیگر فاصله داشته باشند ملت کفر همه ملت واحدند و تاریخ همواره تکرار می‌شود و سیاست متحد و هماهنگ آنها همیشه دشمنی با ادیان آسمانی و محو صبغه اخلاق و فضیلت در جامعه و به بند کشیدن آزادیهای فردی و اجتماعی و ممانعت از شعائر و مقدسات دینی با توسل به توجیه‌ها و بهانه‌تراشیهایی گوناگون بوده است.

یزید در مدت سه سال حکومت خود سه جنایت بسیار وحشتناک مرتکب شد که انسانیت و انسانها را به

لرزه انداخت: ۱- سبط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت و اصحاب آن حضرت را به

شهادت رساند، زنان و فرزندان ایشان را به اسارت گرفت و کوشید تا شعله‌های به ستوه آمده از جنایات دودمان بنی‌امیه را خاموش کند، اما ﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ «آنها با خدا مکر کردند و

خدا با آنها مکر نمود و البته خدا از دیگران بهتر مکر تواند فرمود». ۲- هرگونه جنایت و ددمنشی و

تجاوز بر نوامیس مسلمانان در مدینه منوره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را تا سه روز بر

سپاهیان خود آزاد کرد تا آنجا که در آن سال بیش از هزار فرزند نامشروع در آن شهر به دنیا آمد. ۳-

سپاهی مجهز به منجنیق برای انهدام کعبه به مکه مکرمه روانه کرد که آن لشکر پست و کافر از هیچ

اهانتی نسبت به خانه خدا فروگذار نکرد و حجاج اموی تمام قدرت و توان خود را برای نابودی و

ریشه‌کن نمودن پیروان و یاوران مکتب امام امیرالمؤمنین و امام حسین^۸ و ویرانی کربلا به کار برد که

کتاب‌های تاریخ بهترین شاهد بر این حقیقت هستند و هارون عباسی سعی فراوان در محو کربلا و آثار

آن نمود، محل قبر مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام را زیر و رو کرد، تمام ساختمانهای اطراف قبر

مطهر را ویران و درخت سدري که برای زوار نشانه قبر مطهر و منور آن حضرت بود را قطع کرد، در

حالی که در روایت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قطع کننده درخت سدر را سه بار

لعنت فرمودند. (بحارالانوار: جلد ۴۵، صفحه ۳۹۸) و از ساختن خانه و بازشدن بازار در کربلا

جلوگیری نمود (تراث کربلا: صفحه ۳۴، بحارالانوار: جلد ۴۵) و متوکل عباسی نسبت به سایر خلفای

جور در دشمنی با اهل بیت: و شیعیان آنها، خشن‌تر، قسی‌تر و خطرناک‌تر از دیگران بود، در هر مکانی

به تعقیب خاندان ابيطالب و شیعیان حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌پرداخت، از زیارت قبر مطهر آن

حضرت به شدت منع نموده و حتی دستور اعدام زوار و آنهایی که مردم را بر قبر مطهر آن امام مظلوم

حکومت عثمانیها^۱ پهلوی اول^۲،

راهنمایی می‌کنند نشسته و آنها را معرفی کنند، اما فریاد شیعیان و شیفتگان شهید تشنه لب کربلا این بود: «اگر همه در این راه کشته شویم، بازماندگان و فرزندان ما دست از زیارت این بارگاه الهی برنمی‌دارند» و دستور به نابودی قبر مطهر داد و هفده بار محلّ قبر را شخم زد و آب بر قبر مطهر بست و یکبار دستور داد تا گاوهایی را بر قبر شهدا بگذرانند، اما همین‌که حیوانها به محلّ قبر مطهر حجت خدا حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام رسیدند از حرکت باز ایستادند، با چوب بر بدن آنها زدند اما چوبها شکست و حیوانها قدم از قدم برداشته و بر قبر سیدالشهدا عبور نکردند و تاریخ بیان می‌کند از زمان شهادت حضرت امام حسین علیه السلام در سال ۶۱ هجری تا مرگ متوکل در سال ۲۴۷ هجری، احدی از شیعیان جرأت سکونت در شهر کربلا را نیافت. (تراث کربلا، تاریخ طبری: جلد ۱۱ و بحارالانوار: جلد ۴۵، صفحه ۳۹۷).

۱- شهر کربلا همانند دیگر شهرها در جریان اختلافات داخلی و جنگ قدرت میان حاکمان عثمانی، مورد سوء قصد و تعرض آنها قرار گرفت، سرمایه‌های آن را تاراج کردند، مالیات و گمرک بر اهالی شهر قرار دادند، والی عثمانی داود پاشا در سال ۱۴۲۱ هجری، به مدت چهارسال شهر را به محاصره خود درآورد و چندین بار به شهر حمله کرد، درختان خرما را قطع و آب را به روی اهل شهر بست و شش هزار انسان بی‌گناه شهر را به قتل رساند و مدت‌ها در گرسنگی شدیدی به سر می‌بردند و یکبار دیگر از سوی نجیب پاشا در زمان سلطان عبدالمجید دوم در سال ۱۲۵۸ هجری شهر کربلا تحت محاصره قرار گرفت، که پس از گلوله باران شهر به وسیله توپ، وارد شهر شده و سه روز تمام شهر را غارت و چپاول و انسانها را به قتل رساند، هر جنایت فجیع و شنیع و هولناکی را مرتکب شد، انسانهای بی‌پناه را از دم شمشیر گذراند و آن طور که در کتاب «شهداء الفضیله» آمده بیست هزار انسان را کشت تا جایی که مردم به ضریح مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام پناه آورده و متوسل شدند اما لشکرش وارد حرم شده و هرکس که به قبر مطهر پناه آورده بود را به قتل رساندند (تراث کربلا صفحه ۳۷۶ و صفحه ۲۸۵ - کتاب السلاسل الذهیبیه تألیف سید محمد صادق بحرالعلوم) چنانکه در زمان حکومت عثمانیها شهر مدینه منوره هم بارها مورد تعرض و اهانت قرار گرفت.

۲- رضا پهلوی طاغوت ایران نیز در زمان حکومت خود سیاست ضدین را پیش گرفته و به قصد محو دین جمعی از علمای دین و هدایتگران امت را به قتل رساند، علما را از پوشیدن لباس روحانیت منع کرد، از بنا و تأسیس مساجد، حسینیه‌ها و مدارس دینی جلوگیری نمود، زنان را بر بی‌حجابی و مختلط شدن با مردان مجبور ساخت، آزادیها را سلب و اموال را مصادره کرد، با شعائر و مقدسات دین سخت به مبارزه پرداخت و از برقراری مجالس سوگواری و گریه بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام و زنده

وهایبها^۱ و دهها طاغوت دیگر^۲ بر این مسئله توصیه کردند، طاغوتهایی همچون بکر و صدام که دو حوزه علمیه نجف و کربلا را متلاشی کردند و در جریان جنبش مردمی عراق، صدام

کردن یاد و خاطره قیام مقدس آن حضرت ممانعت کرد، از توزیع آب در کوچه‌ها و خیابانها که خود یادآور مظلومیت شهید تشنه‌لب کربلا علیه السلام بود و از نصب پرچمهای سیاه بر سر در خانه‌ها و دکانها در ایام سوگواری به شدت جلوگیری نمود.

۱- از مذهب‌هایی که استعمارگران در قرن اخیر آن را پایه‌گذاری و تقویت نمودند، وهابیت است که دشمنی و عداوت شدیدی نسبت به همه مذاهب اسلامی و خصوصاً تشیع دارد، که با تمام توان و به کارگیری همه فکر و سرمایه خود کمر به نابودی مذهب حقه شیعه و محو آثار و شعائر آن بسته، از جمله گامهایی که در این راه برداشتند، شهر مقدس کربلا که مرکز نورافشانی فکری و مدرسه و دانشگاه رشادت، مجاهدت و شهادت می‌باشد را دو بار مورد هجوم وحشیانه خود قرار دادند، حکومت وهابی مسلک سعودی در سال ۱۲۱۶ هجری ارتشی متشکل از بیست هزار سرباز را به صورت علنی به شهر مقدسی که زوار از همه جا رو به سوی آن می‌آوردند گسیل داشت و دقیقاً در شب هجدهم ذی‌حجه (شب عید غدیر) که اهالی شهر کربلا، به قصد زیارت قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام به نجف اشرف مشرف می‌شوند، ارتش متجاوز و سفاک سعود وارد شهر شده و جنایاتی ناگفتنی را مرتکب شدند، تنها در یک شب بیست هزار انسان را به قتل رساندند، نه بر پیرمرد کهنسال و نه بر کودک خردسال و نه بر زنها رحم کردند، احدی از جنایات و وحشیگری آنها جان سالم بدر نبرد، زیور آلات زنان را به یغما بردند، بر دو حرم مطهر تعدی و جسارت کردند، ضریح مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام و قبور شهدا را شکستند، اشیای نفیس و نایاب و گران‌قیمت حرمین شریفین را به سرقت بردند، زیورآلات و طلاهای سقف و شمعدانها و قندیلها و فرشهای قیمتی و دربهای مرصع و ... همه را دزدیدند، پنجاه نفر را در کنار ضریح حضرت امام حسین علیه السلام به قتل رساندند. (تراث کربلا صفحه ۶۳، ۳۶۷، ۳۷۰ و ۳۷۱، جهت اطلاع بیشتر از عمق فجایع به کتاب «اعیان الشیعه» جلد ۴ صفحه ۳۷۰ و «شهداء الفضیله» صفحه ۲۸۸ و «تحفة العالم» جلد ۱۰ صفحه ۲۸۹ و «دائرة المعارف الإسلامیة» جلد ۱، صفحه ۱۹۲ و ۱۹۳ مراجعه شود.

۲- و اینگونه است خلق و خوی جباران ستم پیشه و جنایتکاران در اقسام و انحاء مختلف ستیزه جوییها و ددمنشیاها با کربلا و مقدسات و شعائر آن، زیرا از اینجاست که همه نیرنگها، تقلبها، دغله‌ها و انحرافاتشان نمایان و برملا می‌شود، ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ «می‌خواهند نور خدا را با نفسهای تیره و سخنان بی‌مقدار خود خاموش کنند و خدا خود

بیش از سی هزار نفر از مردم را کشت، مساجد و حسینیه‌ها و مدارس و کتابخانه‌ها و درمانگاهها و قبور علما و هزارها خانه و باغ و مغازه و مراکز تجاری را ویران کرد، دو گنبد مطهر حرم^۱ حضرت سیدالشهدا علیه السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را با گلوله‌های توپ مورد اصابت قرار داد و چنان جنایت هولناک و حمام خونی در دو حرم مقدس و منور به راه انداخت که قابل وصف نیست^۲ و این جنایت استمرار همان جنایتهای لشکر یزید در مدینه منوره و حرم مطهر پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و جنایتهای حجاج به دستور خلیفه اموی در مسجد الحرام است.

اما سنت و اراده الهی در این جهان، رفعت و اعتلای پرچم حق و نابودی و ذلت باطل است، لذا همه طاغوتها و ستمگران رفتند ﴿وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾^۳ و کربلا همچنان پاک و پاینده و بالنده پابرجاست و خود سرچشمه دین و عقیده و آموزشگاه اخلاق و فضیلت و تحرک می‌باشد و از لحظه شهادت آن امام و سرور شهیدان علیه السلام تا کنون کربلا چراغی فراروی همه مجاهدان و آزادگان و نور روشنگری فراراه همه امتهای ملتها و مدرسه‌ای برای تربیت عالمان و مبلغان و حاملان قلم بوده و تا روز ظهور حضرت صاحب الامر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ باقی خواهد ماند.

همان گونه که عقیده بنی‌هاشم حضرت زینب کبری علیها السلام خطاب به حضرت امام زین العابدین علیه السلام عرضه داشت:

نگهدار نورش - و دین اسلام و معارف قرآن و اهل بیت طاهرین - می‌باشد، هر چند کافران را خوش نیاید».

۱- و دو ضریح مطهر.

۲- برای آگاهی بیشتر از جنبش مردمی عراق و اهداف و ابعاد آن و نیز نتیجه‌های به دست آمده و همچنین جنایات و جرایم رژیم صدام به کتاب «العراق بین الماضي والحاضر والمستقبل» مراجعه شود.

۳- «و در این دنیا و روز جزا به جز لعنت خالق متعال، بهره‌هایی نبردند» سوره هود: آیه ۶۰.

« وَ يَنْصِبُونَ - النَّاسِ - لِهَذَا الطَّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُدْرَسُ أَثَرُهُ وَ لَا يَعْقُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ لَيَجْتَهِدَنَّ أُمَّةُ الْكُفْرِ وَ أَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَ تَطْمِيسِهِ فَلَا يَزِدَادُ أَثَرُهُ إِلَّا ظُهُورًا وَ أَمْرُهُ إِلَّا عُلُورًا ».

« در این سرزمین انسانها چنان عَلم و نشانی بر قبر مطهر پدرت حضرت سیدالشهدا علیه السلام برپا کنند که به گذشت سالها و قرنهای نه اثرش کهنه شود و نه صورتش پنهان و چه بسیار که امامان کفر و پیروان ضلالت می کوشند تا اثرش را محو و مخفی کنند اما - حاشا و کلاً - هر روز اثرش ظاهرتر و یاد و شأن و جلالتش رفیع تر گردد^۱ و نیز آن بانوی طاهره علیها السلام خطاب به یزید فرمود:

« فَكِدْ كَيْدِكَ وَ أَسْعَ سَعْيِكَ وَ نَاصِبْ جَهْدِكَ فَوَاللَّهِ لَا تَمَحُو ذِكْرَنَا وَ لَا تُمِيتُ وَحَيْنَا ».

« همه نیرنگها و خدعه‌هایت را به کار بند و همه تلاش و کوشش خود را بنما، اما به خدا سوگند که توان محو کردن نام و یاد ما و خاموش کردن فروغ جاودانه وحی ما را نخواهی داشت^۲ ».

زود باشد که صدام این طاغوت عراق به اذن پروردگار متعال همچون سایر طاغوتها و ستمگران پیشین سرنگون گردد ﴿ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴾^۳.
بر ما که رضایت خالق و سعادت در روز جزا را آرزو داریم واجب است تا همه تلاش و توان خود را برای زنده نگه داشتن کربلا و تمامی مشاهد مشرفه در دو بُعد مادی و معنوی بکار بریم و از این چراغ پرفروغ، بیشترین استفاده را بنماییم، چراغی که راه و صحنه کارزار را بر همه طالبان سعادت در این دیار و بهشت برین در آن جهان نمایان و نشان دهد که

۱- کامل الزیارات: صفحه ۳۶۲.

۲- زیارت حضرت زینب کبری علیها السلام معروف به « زیارت مفجعه ».

۳- « و نزدیک است که ظالمان بدانند بر چه دوزخ و کیفرگاهی باز گردند » سوره شعرا: آیه ۲۲۷.

« حسین علیه السلام مشعل هدایت و کشتی نجات است » و عاشورا بهترین زمان برای رسیدن به این هدف والا می باشد.

۶ / شوال المکرم / ۱۴۱۴ هجری

قم مقدس

محمد شیرازی

تبلور کرامات و ارزشهای اخلاقی

لازم است از مجالس یادآور قیام عاشورا جهت تثبیت و استوار شدن پایه‌های ایمان و فضیلت تقوا و ارزشهای اخلاقی در میان مسلمانان استفاده شود، چرا که آراسته شدن به صفات والای انسانی مسلمانان را در برابر بیماریهای گوناگون روانی که اکنون در جهان مادیگر منتشر گردیده مصون می‌دارد، چنانکه باید در جهت گسترش و تقویت هرچه بیشتر این صفات و ارزشها در افراد تلاش گردد که صفات و خصلتها دارای مراتب و درجات می‌باشند.

ضروری است برای ارشاد و تبلیغ و نشر احکام الهی از تعالیم حیات‌بخش پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که امتها را به تطبیق شورا و به اجرا در آوردن آزادیهای اسلامی و تحقق امت واحده و اخوت اسلامی، برقراری صلح و آرامش و عمل به وظیفه عقلی و دینی امر به معروف و نهی از منکر دعوت نموده و در پرتو آنها سعادت در دنیا و آخرت را وعده فرمود، به بهترین وجه بهره‌برداری شود.

برای تحقق این مفاهیم و جامه عمل پوشاندن به این اصول حیاتی در جامعه اسلامی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام امیرالمؤمنین و امام حسن علیهما السلام تا به آن حد تلاش و مجاهدت نمودند و امام حسین علیه السلام هم با قیام مقدس خود در همان مسیر قدم برداشته و در سخنان خود به هدف و انگیزه از قیام خود تأکید فرمود: «إِنِّي لَمْ أُخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي وَشَيْعَةِ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۱.

۱- «به هوای راحتی و نشاط و یا فتنه و فساد و یا ظلم بر بندگان خروج ننمودم بلکه خروج کردم تا امت جدم رسول گرامی اسلام و شیعیان پدرم امیرالمؤمنین را اصلاح و از ظلمها رهايشان سازم»، ناسخ التواریخ.

و فرمود: « نَحْنُ وَ بَنُو أُمِّيَّةٍ اِحْتَصَمْنَا فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قُلْنَا: صَدَقَ اللَّهُ وَ قَالُوا: كَذَبَ اللَّهُ، فَ نَحْنُ وَ إِيَّاهُمَا الْخَصْمَانُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ »^۱.

و خطاب به پروردگار متعال عرضه داشت: « اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِمَّا تُنَافِسُ فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَسَّاسُ مِنْ فُضُولِ الْحَطَامِ وَ لَكِنْ لَتَرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نَظَرَ الْإِصْلَاحِ فِي بِلَادِكَ وَ يَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يَعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ أَحْكَامِكَ ... »^۲

که اگر در دو ماه محرم و صفر که در سوگ شهادت سید شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام حداقل یک میلیون مجلس در سرتاسر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی بر پا شود هیأت‌های برگزار کننده و مسئولین آن برای هر مجلس یک کتاب فرهنگی، اخلاقی یا اعتقادی و... در جهت آگاه کردن مردم نسبت به دین چاپ و به صورت رایگان توزیع کنند و اگر هر مؤسسه‌ای تلاش و کوشش کند تا سطح فعالیت‌های دینی و مذهبی و خدمات اجتماعی خود را از طریق تأسیس یک حسینیه یا مسجد یا مؤسسه‌ای دینی در دیگر مناطق دور یا نزدیک یا با برپا نمودن یک مجلس سوگواری دیگر گسترش دهد، این بدان معنی می‌گردد که این هیأت‌های اداره کننده خود در جهت رشد دانش و بینش و فکر مردم در امر دین و هدایت آنها و نیز در جهت کاستن از درد و رنج و مشکلات و گرفتاریهای فراوان آنها سهم گردیده‌اند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

۱- « ما و فرزندان امیه درباره خدا با یکدیگر خصومت کردیم، ما همه گفته‌ها و وعده‌های الهی را تصدیق نموده و بر حق دانستیم و آنها همه را تکذیب کردند و این خصومت تا قیامت پایان‌ناپذیر است » کتاب الامام الحسین: نوشته سید علی جلال المصری.

۲- « پروردگارا! تو خود از نیت و مقصود ما آگاهی که آنچه از ما صادر شد برای رسیدن به حکومت و سلطنت و یا طلب زرق و برق دنیا نبود بلکه برای این بود که قوانین و معالم دین تو را حاکم و عدل و صلاح و اصلاح را در بلاد تو ظاهر کنیم تا بندگان ستم کشیده‌ات در امن و امان به سر برند و به واجبات و سنت‌ها و احکام تو عمل شود و... » تحف العقول.

﴿النَّاسُ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحْرُقَ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نُظِيرُكَ لَكَ فِي الْخَلْقِ﴾^۱.

اگر سوگواران و عزاداران حضرت سیدالشهدا علیه السلام نسبت به اهداف مقدس اسلام اهتمام ورزند بی تردید دو ماه پر فیض و با برکت محرم و صفر از بهترین و مناسبترین فرصتها جهت دعوت امتهای به دین مبین اسلام و مذهب حقّه تشیع و نشر مبادی حق و ارزشهای والای انسانی و گسترش آنهاست.

در حدیث شریف است: (مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْجُهَّالِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا إِلَّا وَقَدْ أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ يُعَلَّمُوا)^۲.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَالْإِنَّمَا فَعَلِيهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ)^۳.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: (وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ سَغْبِ مَظْلُومٍ)^۴.

۱- « مردم دو دسته‌اند: یا برادران تو هستند در دین و یا همنوعان تو هستند در خلقت » بحار الانوار: جلد ۳۳، صفحه ۶۰۰.

۲- « خداوند متعال پیش از آنکه از ناآگاهان پیمان فراگیری علم گیرد از علما و دانشمندان بر آموختن علم پیمان گرفته است »، بحار الانوار: جلد ۱.

۳- چون بدعتی در امتم ظاهر شد، بر عالم دین است که دانش خود را ظاهر کند و با آن به مقابله پردازد در غیر این صورت لعنت خدا و ملائکه و همه انسانها بر او باد «، بحار الانوار: جلد ۵۴، صفحه ۲۳۴.

۴- « پروردگار متعال از دانشمندان عهد و پیمان گرفت تا در برابر سودجویی ستمکاران و مظلومیت مظلومان ساکت ننشینند »، نهج البلاغه: خطبه ششونهم.

مسئولیت‌های اجتماعی

هواهای نفسانی از یک سو و سیاستهای استعمارگران شرق و غرب از سوی دیگر موجب گردیده که جمع کثیری از مسلمانها نسبت به قوانین الهی بی توجه و بی اعتنا شوند و به شدت به ظواهر فریبنده و لذت‌های زودگذر دنیا روی آورند، از این رو میلیونها حاجت و نیاز و مشکلات فردی و اجتماعی همچنان لاینحل باقی مانده است.

آمارهای ازدواج کاهش یافته، تجرد و تنهایی با همه خطراتش در جوامع اسلامی شایع شده، بسیاری از مردم فاقد مسکن و سرپناه برای زندگی هستند، داروهای مورد نیاز مفقود و یا با کمبود و گرانی مواجه است، کمبود قابل ملاحظه‌ای در فضاها، آموزشی و مدارس و آموزشگاهها با توجه به مقدار مورد نیاز مشاهده می‌شود، زمینه‌های اشتغال کم و با شرایط سخت و قیدها و قوانین بی حد و حصر و پیچیده‌ای روبرو بوده که خود سبب و عامل افزایش بیکاری گردیده و سیر متناسب با رشد جمعیت نسبت به خدمات اجتماعی در زمینه‌های مختلف متوقف شده، از قبیل: راهسازی، افزایش و گسترش شبکه‌های آب و برق، آماده‌سازی مخازن آب مورد نیاز در مناطق مختلف خصوصاً در روستاها و مزارع، افزایش فضای سبز و درختکاری در داخل شهرها و غیر آن مانند کارخانجات، مدارس، بیمارستانها و...

آنچه مسلم است اینکه مجالس عزاداری حسینی دارای تأثیری فزاینده و شکوفا کننده جنبه‌های عاطفی روحی و روانی و نوعی محرک عقلی و مؤثر در جهت‌دهی به سلوک و رفتار انسانی دارند و ایجاد شفقت و مودت میان آنها و به انجام رسانیدن خدمات فردی و اجتماعی به نحو مطلوب بهره‌برداری شود، هر سال میلیونها نیاز امت اسلامی به انجام می‌رسد و البته دستیابی به این هدف بسیار مهم نیازمند مساعدت و مشارکت سه گروه می‌باشد:

۱- سخنرانان که با توجیه، هدایت و ارشاد مردم نسبت به اهمیت همیاری و همکاری در جهت خدمات اجتماعی و انجام کارهای نیک با بیان داستانهای آموزنده و مشوق و استشهاد به آیات و روایات که مردم را به انجام این امور دعوت می کند می توانند نقش سازنده و مهمی را در تحقق این حرکت مهم در جامعه اسلامی ایفا کنند.

در روایت است: (مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَى لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعِينَ حَاجَةً أَيْسَرُهَا دُخُولُ الْجَنَّةِ)^۱.

حضرت سیدالشهدا علیه السلام فرمودند: (وَاعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ فَتَحُورَ نَعْمًا)^۲.

۲- تشکیل هیأتی از افراد امین، مورد اعتماد و مخلص در هر مسجد و حسینیه و مدرسه و... که با برنامه ریزی در پرتو مجالس به جمع آوری کمکهای مردمی در برآورده ساختن نیازهای افراد مستمند با رعایت ضروریتهای اولویتهای اقدام نمایند.

۳- مشارکت و همکاری افراد نیکوکار و تجار توانمند جهت سرمایه گذاری و به انجام رساندن کارهای خیر. حضرت امام حسین علیه السلام با تأکید بر تسریع در کارهای خیر و انفاق در راه خدا می فرماید: (مَا لَكَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُنْتَ لَهُ، فَلَا تَبْقَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى عَلَيْكَ وَكُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ)^۳.

۱- « هر کس یک حاجت برادر مؤمن خود را برآورده کند در قیامت هفتاد حاجت او که دخول در بهشت آسانترین آنهاست، برآورده می شود ».

۲- « بدانید که توجه و سرازیر شدن نیازهای مردم به سوی شما، از نعمتها و تفضلهای الهی بر شماست، نعمتها را از کف ندهید که نکبت و نقتت جایگزینش شود » از خطبه حضرت سیدالشهدا علیه السلام در بیان مکارم اخلاق کشف الغمه: جلد ۲، صفحه ۲۴۲.

۳- « مال خود را مالک باش و گرنه مالک تو خواهد بود، امانش مده و بر جایش مگذار که تو را امان ندهد، آنرا - در کارهای خداپسندانه - خرج نموده و نابود کن پیش از آنکه تو را نابود نموده و در کام خود فرو برد ».

در این راستا خود دانشمندی را دیدم که با استفاده از مجالس حضرت سیدالشهدا علیه السلام و تشویق مردم بر انجام کارهای خیر در مدت زمان نیم قرن بالغ بر سیصد و پنجاه مؤسسه فرهنگی - خدماتی دایر و تأسیس نموده بود.

دانشمند دیگری را دیدم که در مدت ده سال چهل مؤسسه را پایه گذاری نمود.

توجه و عنایت به مؤسسات و ترمیم آنها

فعالیت مؤسسات دینی از دو بُعد قابل بررسی است:

۱- از نظر کمی و مرحله حجم و تعداد.

۲- از نظر کیفی و نحوه فعالیت.

اما از بُعد کمی و میزان گستردگی آن نقص و کمبود بسیار زیاد و قابل ملاحظه‌ای در تعداد مؤسسات دینی اعم از مذهبی، فرهنگی و اجتماعی برای مسلمانان در جهان اسلام و برای سازمانها و گروههای اسلامی در کشورهای غیراسلامی مشاهده می‌شود.

این در حالی است که وظیفه ما مسلمانان تبعیت و الگوپذیری کامل از دستورات و سیره پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که در شهر مدینه منوره با همه کوچکی آن نزدیک به پنجاه مسجد بنا فرمودند.

البته این نقص و کمبود را می‌توان با بهره‌برداری صحیح از مناسبت عاشورا رفع نمود، بدین صورت که خطبا و مسئولین هیأتها و مجالس سوگواری با تحریک و دلگرمی و تشویق مردم در جهت سهمیم شدن و همیاری در این حرکت اساسی، اقدام به تأسیس و بنای مؤسسات دینی بنمایند.

اگر مسلمانان توانستند از طریق این مجالس پر فیض که در این ایام در سرتاسر کره زمین برقرار است، هر سال یکصد هزار مؤسسه اعم از مسجد، حسینیه، مدرسه، کتابخانه، بیمارستان، درمانگاه، مراکز بهزیستی، فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی، مراکز تربیتی و پرورشی،

انتشار روزنامه و مجلات^۱ تأسیس کنند پس از پانزده سال تنها به تعداد مؤسسات و مراکز مسیحیت در قاره آفریقا رسیده‌ایم چنانچه در بعضی آمارها تعداد مؤسسات آنها در این قاره را یک میلیون و پانصد هزار شمرده‌اند.^۲

۱- مؤلف عالی مقام « دام ظلّه » در کتاب‌های « الفقه: الدولة الاسلامیة » و « الفقه: الاجتماع » و « الوصال الی حکومت واحد اسلامیه » و جزوه « رساله المساجد و الحسينیات »، مسأله اهمیت مؤسسات دینی و اجتماعی و نقش حیاتی و زیربنایی آنها در حفظ جامعه را با دقت مورد بحث قرار داده‌اند.

۲- قاره آفریقا متشکل از ۴۰ کشور و دارای ۶۰۰ میلیون جمعیت است که ۲۳۴ میلیون آنان مسلمان و باقی پیرو دیگر ادیان و مذاهب می‌باشند.

در طی چند دهه اخیر واتیکان جهت مسیحی نمودن آن قاره، تبلیغات وسیع و گسترده‌ای را انجام داده است، از جمله: ۱۰۴ هزار کشیش و روحانی مسیحی و ۹۳ هزار دستیار و معاون کشیش جهت تبلیغ از آیین مسیحیت به آن قاره اعزام داشتند، با توجه به اینکه در حال حاضر مسیحیت دنیا از وجود (۴/۲۵۰/۰۰۰) مبلغ تمام وقت و فارغ‌البال در سرتاسر دنیا سود می‌برد، مرکزی را جهت ترجمه انجیل به تمام لغات متداول در آفریقا که بالغ بر ۴۲۲ لغت می‌باشد افتتاح نموده و تنها در سال ۱۹۹۳ میلادی، ۱۲۸ میلیون نسخه انجیل در آن قاره توزیع نمودند، چنانکه مبلغ ۲۲ میلیارد دلار برای تبلیغات و فعالیت‌های خود در قاره آفریقا اشاره می‌کنیم:

- ۱- تأسیس ۱۶۶۷۱ انجمن و مرکز تبلیغی تا سال ۱۹۹۰ میلادی.
- ۲- نظارت کلیساها بر ۵۰۰ دانشکده و دانشگاه.
- ۳- تأسیس ۴۸۹ مدرسه دینی برای تربیت کشیش و روحانی مسیحی.
- ۴- تأسیس مجمع کلیساها بر ۲۵۹۴ مدرسه راهنمایی و ۸۳۹۰۰ مدرسه ابتدایی و ۱۱۱۳۰ مهد کودک و ۱۱۵ مدرسه برای افراد بی‌بضاعت - با توجه به اینکه اکنون ۶ میلیون مسلمان در مدارس تحت نظارت و پوشش تبلیغی مسیحیت در آفریقا مشغول به درس می‌باشند.
- ۵- کلیساها در سرتاسر قاره دارای ۶۰۰ بیمارستان و ۵۱۱۲ درمانگاه می‌باشند.
- ۶- و نیز دارای ۲۵۶ دارالایتام و ۱۳۰ آسایشگاه بیماران و ۸۵ آسایشگاه جهت زنده‌ای بی‌سرپرست می‌باشد.

- ۷- ۷۵ مجله به تبلیغات مسیحیت و بیان مسائل دینی آنها اختصاص دارد.
- ۸- صدها انتشارات و چاپخانه برای چاپ و توزیع مجانی کتاب در اختیار دارند.
- ۹- تربیت نویسندگان، که تنها در سال ۱۹۸۷ میلادی ۶۲۸۰۰ کتاب و عنوان جدید در خصوص تبلیغات مسیحیت منتشر گردید.

این امری محال و دست نیافتنی نیست در صورتی که آدمی برخوردار از اراده‌ای قوی، عزمی راسخ و همتی والا می‌باشد و چه بسا تنها یک انسان می‌تواند حرکتی وسیع و گسترده به راه انداخته و رهبری کند چنانکه در آیه شریفه درباره حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام آمده است: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً﴾^۱ و در روایت است: (الْمُؤْمِنُ وَحَدَهُ جَمَاعَةٌ)^۲ و در شعر منسوب به امام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

أَتَزَعُمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ

« آیا گمان داری که تو موجود کوچک و ناچیزی هستی و حال آنکه عالمی بزرگ در تو متحیر است ».

تاریخ بر این حقیقت گواه است که گاه معدود افرادی مسیر حرکت و حیات امتی را تغییر داده‌اند.

اما از نظر بُعد کیفی بسیار اتفاق افتاده که مؤسسه خیریه‌ای مانند مسجد، حسینیه، مدرسه، کتابخانه و انتشارات تأسیس می‌شود اما از نظر وجود مدیریت لایق و کارآمد^۳ یا در مشورت پیرامون نحوه اداره^۴ و یا در کارهای اجرایی خود با مشکل مواجه هستند، یا به مشکلات مالی از قبیل کمبود بودجه و نبود کمکهای مالی اهل خیر جهت اتمام بنا و تهیه مایحتاج یا ترمیم خرابیهای مراکز قدیمی و در شرف تخریب برخورد می‌کنند.

۱- « بدرستی که ابراهیم یک امت بود »، سوره نحل: آیه ۱۲۰.

۲- « مؤمن به تنهایی به منزله یک گروه و جماعت است ».

۳- مانند دکتر، مهندس، دانشمند و مدرس و مدیر و کارمند که مؤلف عظیم‌الشان در کتاب « استمراریه المؤسسات الاسلامیه » به تفصیل به مؤسسات و مراکز دینی و خدماتی و راهها و روشهای ادامه حیات و فعالیت آنها اشاره فرموده‌اند.

۴- چنانکه بر هیأت‌های اداره کننده این مراکز است که افرادی مؤمن و لایق را با نحوه اداره صحیح آشنا و آموزش دهند تا در آینده آن مؤسسات از نظر مدیریت دچار وقفه نشوند.

تأمین و تکمیل همه این کمبودها از راه تحریک منطقی عقل و احساسات عاطفی بر حب و دوستی هر نیک و خیر ممکن می‌باشد زیرا آن کس که حس عاطفی‌اش بیدار و شکوفا شود قلبش او را به سوی خیرات و کارهای پسندیده راهنمایی می‌کند. این امر نسبت به مؤسسات انتفاعی و تجاری و مانند آنکه به اسلام و انسانها خدمت می‌کنند نیز اینگونه است و شاید اگر اجتماع به این بعد از نیاز خود در این مقطع زمانی توجه کند اثرات و ثمرات وافری را در دو بعد کمی و کیفی به دست آورد. -ان شاء الله تعالی-.

بازگرداندن حقوق انسانها

ممکن است از واقعه کربلا در جهت حل مشکلات سیاسی که امروز گریبانگیر امت اسلامی شده استفاده نمود که از آن جمله:

۱- مشکل استبداد و دیکتاتوری سردمداران و سلاطین حاکم بر کشورهای جهان سوم و نیز رسواییهای طاغوتیان و حاکمان جور که بندگان خدا را به بردگی، اموال و سرمایه‌ها را چپاول و دین خدا را به بازی گرفته‌اند زیرا مصالح شخصی جمله‌ای از حاکمان و برخی سرمایه‌داران مترف و عالمان سوء تنها به وجود اختلافات و تمایزات شدید اجتماعی و حاکم بودن روح بردگی در میان مردم بستگی دارد و حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای ریشه‌کن ساختن و محو همین معضلات اجتماعی به جهاد پرداختند، چنانکه حضرت فرمود: (إِنَّمَا حَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي وَ شَيْعَةِ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ...)^۱.

(عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذَا بُلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدَ وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ: الْخِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى آلِ أَبِي سَفْيَانَ)^۲.

و فرمود: (إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَعْدَنُ الرِّسَالَةِ ... وَ يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ، شَارِبُ الْخَمْرِ، قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ، مُعَلِّنٌ بِالْفِسْقِ وَ مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ)^۱.

۱- « تنها برای طلب اصلاح و صلاح در امت جدم و شیعیان پدرم امیرالمؤمنین: خروج نمودم، می‌خواهم به معروف امر و از منکر نهی کنم » ناسخ التواریخ.

۲- « زمانی که امت به فرمانروایی چون یزید گرفتار آید باید دست از اسلام شست، از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: خلافت و رهبری امت بر خاندان ابی‌سفیان حرام می‌باشد « این جمله از حضرت سیدالشهدا علیه السلام خطاب به مردان هنگام طلب از حضرت برای بیعت با یزید فرمود، « نفس المهموم مرحوم محدث قمی: صفحه ۷۰ ».

و فرمود: (أَلَا وَانَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَّزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ، بَيْنَ السَّلَّةِ وَالدَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ، يَا بِي اللَّهُ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ أُبِيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤْتِرَ طَاعَةَ اللِّثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الكِرَامِ).^۲

شاید انگیزه و علت همه ستیزه جوییها و جنگ و مقابله طاغوتها در طول تاریخ با فکر، راه، شهر، حرم، زیارت، شعائر، مصیبت و گریه، عزاداری و یاد حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام همین باشد.

۲- طبیعت نژادپرستی نژادپرستی که اکنون بر اغلب کشورهای جهان حتی در بین آنهایی که خود را امتی پیشرفته می دانند حاکم است.

آری در دنیای امروز برتری نژادی، تمایزات در لغت، جغرافیا، ملیت و قبیله از اصول و اجزای لاینفک سیاست به حساب می آید.^۳

۳- فرو نشاندن آتش فتنه‌ها و جنگها آشوبهای موجود در کشورهای اسلامی که در طول پنجاه سال اخیر استعمارگران آنها را شعله‌ور ساخته و اکنون کانون و مرکز نزدیک به هشتاد درصد از جنگها، کشمکشها و برخوردهای نظامی جهان در کشورهای اسلامی می باشد.

۴- تأسیس مراکز خدماتی مراکز خدماتی در جهت نجات انسانها از گرسنگی، فقر، بیماری و امثال آن که حل این مشکلات - تا حد زیادی - با توجه بیشتر خطبا به مسئولیت

۱- « ما خاندان نبوت و معدن رسالتیم... و یزید فردی فاسق، شرابخوار، قاتل انسانهای بی گناه و آشکارکننده فسق و فجور است و چون من با مثل او بیعت نمی کند » و زمانی که ولید والی مدینه از آن حضرت خواست تا با یزید بیعت کند، این سخن را فرمود. « مقتل خوارزمی ».

۲- « همانا زنازاده فرزند زنازاده ما را میان دو راه مخیر کرده: به شمشیر کشته شویم یا که ذلت را برگزینیم و هیهات که ما در راه ذلت قدم نهیم که خدا و رسول او و مؤمنان و دامنهای پاک و مطهر و سرهای غیور و پر شور و جانهای سرافراز و با عزت هرگز زبونی ما را که طاعت فرومایگان پست را بر نبردی مردانه ترجیح دهیم، نمی پسندند » از خطبه حضرت امام حسین علیه السلام در روز دهم محرم. « نفس المهموم: صفحه ۲۴۵ ».

۳- به کتاب « القومیات فی خمسين سنة » به تألیف مؤلف بزرگوار مراجعه شود.

خطر دینی و مذهبی خود و همت مؤسسين و هیأت‌های اداره کننده مساجد و حسینیه‌ها به توزیع کتابهای فرهنگی و توجیهی (که به آگاه کردن امت نسبت به مشکلات و راه‌حلهای آن پردازد) و از طریق حرکت سازنده رسانه‌های ارتباط جمعی و ایفای نقش خود ممکن می‌باشد تا در مسیر تطبیق سخن ذات الهی ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾^۱ و در جهت تطبیق آیه شریفه: ﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾^۲ گام بردارند.

ضروری است که دایره استفاده و بهره‌برداری از ماه محرم و صفر و معنویات انبوه و فراوان آن را در راه خدمت به انسانیت و تحقق صلح و آرامش در دنیا گسترش دهیم البته به سیر کند و استفاده محدود و اندک از این رویداد مهم تاریخی که نقطه عطفی در تاریخ بشریت است بسنده نکنیم، چنانکه بعضی از دست‌اندرکاران مجالس اعم از خطیب و یا مسئولین هیأتها به بهره‌برداری کم اکتفا نموده‌اند.

۱- (خدای متعال مقام و منزلت اهل ایمان و آنان که از دانش بهره‌ای برده‌اند « در دو جهان » رفعت می‌بخشد)، سوره مجادله: آیه ۱۱.

۲- (ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و آنگاه شما را گروه‌ها و قبایل مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید و بدانید که برترین شما نزد خدا با تقواترین شماست)، سوره حجرات: آیه ۱۳.

بازگشتی به اسلام

مناسب است از مجالس عاشورا در جهت تأکید بر ضرورت بازگشت به اسلام و احکام و شعائر آن استفاده شود چنانچه اشاره شد لنین گفته بود: « کربلا را نابود کنید » و در حدود یک قرن پیش گلاستون رئیس بریتانیایی در مجلس عوام انگلستان گفته بود: « اگر می‌خواهید در کشورهای اسلامی پایدار و گامهایتان استوار باشد بر شما باد که قرآن را از زندگانی مسلمانان خارج و از سفر حج آنها ممانعت کنید » و امروزه خود شاهدیم که چگونه غریبه‌ها و دشمنان دین به هر دو خواسته خود جامه عمل پوشانیده‌اند.

حج را به کاروانهایی کوچک و بیگانه از هم در زمانی معین و روزهایی اندک محدود نموده و با مراقبت شدید از سوی جاسوسها و مأموران امنیتی محصور ساخته‌اند که دیگر نه آشنایی و شناختی میان مسلمانان است نه تبادل نظراتی، نه کنفرانسی و نه اندیشه‌ای برای حل مشکلات مسلمانان و نه ... هیچ در کار نیست.

و حج از عنوان ﴿ قِيَامًا لِلنَّاسِ ﴾^۱ و از اینکه در پرتو اتحاد و تسلیم امر دین بودن مسلمانان ﴿ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ ... ﴾^۲ تا حد زیادی تهی گردیده است.

در کنار اینها حریمهای مطهر خاندان رسالت: و یاران آنان و دیگر آثار به جای مانده از صدر اسلام را ویران و از میان برداشتند و حج را - و هر موسم دیگر - به پایگاهی برای اختلاف و نزاع و خصومت میان مسلمانان تبدیل کردند^۳ و مسلمانان را از احکام و دستورات حیات بخش قرآن که سعادت جاودانه به دنبال دارد، دور ساختند.

۱- (حافظ ایمان، اتحاد و نگهبان مصالح دین و دنیای مسلمانان بودن)، سوره مائده: آیه ۹۷.

۲- (در آن منافع « دنیوی و اخروی » خود را شاهد باشند)، سوره حج: آیه ۲۸.

۳- مؤلف عالی مرتبه در کتاب « الحج بین الامس و الیوم و الغد » مشکلاتی را که در برابر مسلمانان در مراسم حج ایجاد گردیده و این نکته که حج در سابق چگونه بوده و حال به چه شکل درآمده و نیز

اخوت اسلامی را به بند کشیدند تا جایی که امروزه اهل هر منطقه در منطقه دیگر خارجی و بیگانه است، امت واحده اسلامی را تکه تکه کردند تا آنجا که مسلمانان به صورت امتهای متعدده و محدود به حدود جغرافیایی درآمده‌اند که هرگز خالق متعال چنین حکم و قانونی بر آنها نازل نفرموده است.

آزادیهای اسلامی را خفه کردند و دیگر مجالی برای اظهارنظر برای سخن گفتن و برای ارائه فکر و برنامه باقی نگذاشته‌اند.

قوانین باطل و دروغی را وضع و به مورد اجرا گذارده‌اند که بمانند زنجیر انسانها را اسیر و از انجام هر حرکت و کوششی در جهت عمران و آبادانی، در تجارت، زراعت، صنعت، سفر و اقامت و در سایر شئون و نیازهای زندگی بازداشته است.

مشورت در انجام کارها و شئون حکومت را منتفی کردند که اکنون حاکمان و سردمداران به افرادی مستبد تبدیل شده‌اند دیگر نه انتخابات آزادی در کار است و نه مؤسسات زیربنایی برای حفظ و صیانت حکومت از بیراهه رفتن و استبداد در حکم.

هر گونه سازماندهی، انسجام و تشکل در هر بُعدی از ابعاد را منع کردند و آن را به عنوان یک معضل و مشکل سیاسی و اجتماعی در کشورهای اسلامی به مردم القا کردند که دیگر اثری از احزاب آزاد - که تضمین کننده حقوق انسانها می‌باشد - برجای نیست و تنها یک حزب و یک شخص حاکم است و حق همان است که او اراده کند.^۱

راه‌حلهای پیشنهادی جهت بهبودی ساختار کنونی حج و راههای بهره‌برداری صحیح و دقیق از این تجمع عظیم دینی را تبیین و تشریح نموده‌اند.

۱- مرجع عالیقدر و مؤلف والا مقام در کتابهای ارزشمند: « الفقه: الحریة » و « الفقه: السیاسة » و « الحریة الاسلامیة » و « الشوری فی الاسلام » و « ممارسۃ التغبیر » و « السبیل الی انهاض المسلمین » و « لماذا تأخر المسلمون » و « انقاذ المسلمین » و « من أولیات الدولة الاسلامیة » احکام حیات‌بخش برای جامعه اسلامی و امت مسلمان را به تفصیل مورد بررسی و تدقیق قرار داده است.

حرامهای خدا را حلال و مباح دانستند مانند: شراب، گوشت خوک، فحشا، موسیقی، ربا و سایر محرّمات الهی.

قوانین و احکام پروردگار متعال در کتاب آسمانیش قرآن کریم را به فراموشی سپردند مانند: ﴿ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ ﴾^۱ و ﴿ اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً ﴾^۲ و ﴿ يَضَعُ عَنْهُمْ اِصْرَهُمْ وَ الْاَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴾^۳ و ﴿ اَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ ﴾^۴ و ﴿ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴾^۵ و در حدیث شریف است: (نَظُمَ اَمْرِكُمْ)^۶ و در آیه مبارکه است: ﴿ اِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَ الْاِثْمَابُ وَ الْاَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ ﴾^۷ و ﴿ اِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّهُ اُولٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُوْلًا ﴾^۸ و ﴿ اَحَلَّ اللّٰهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا ﴾^۹.

اکنون بر ما لازم است تا مجالس عاشورا را وسیله‌ای برای پایداری و پافشاری در بازگشت احکام اسلام و آیات قرآن و راهنماییهای هدایتگر خاندان عترت طاهره: به جامعه اسلامی قرار داده و بهره‌ای وافی و کافی از آن ببریم.

۱- (در حقیقت مؤمنان برادر یکدیگرند)، سوره حجرات: آیه ۱۰.

۲ (این امت شما امتی واحد است)، سوره انبیاء: آیه ۹۲.

۳ (قوانین پر درد و رنجی که به جهل همانند زنجیر بر خود آویخته بودند را برمی‌دارد)، سوره اعراف: آیه ۱۵۷.

۴ (کارهای خود را به مشورت همدیگر انجام می‌دهند)، سوره شوری: آیه ۳۸.

۵- (هر چیز را مناسب و موافق با حکمت قرار دادیم)، سوره حجر: آیه ۱۹.

۶- « بر شما باد به نظم و انسجام در کارهایتان »، بحار الانوار: جلد ۴۲، صفحه ۲۵۶.

۷- (شراب و قمار و بتها و تیرهای قمار همه پلید بوده و از کارهای شیطان است، پس از آنها دوری جوید)، سوره مائده: آیه ۹۰.

۸- (به درستی که گوش و چشم و دل همه در پیشگاه پروردگار متعال مسئولند)، سوره اسراء: آیه ۳۶.

۹- (بیع و تجارت را خداوند حلال و ربا را حرام فرموده است)، سوره بقره: آیه ۲۷۵.

ترغیب و تشویق افراد بر کسب و تجارت

ممکن است از مجالس بزرگداشت واقعه خونین کربلا در جهت بهبودی شئون اقتصادی بیشترین استفاده را نمود زیرا همان طور که در روایت است: (مَنْ لَا مَعَاشَ لَهُ لَا مَعَادَ لَهُ)^۱ اقتصاد موفق تنها در سایه کسب و بهره‌وری صحیح در امر زراعت، تجارت، صنعت و بهره‌برداری مناسب از منابع طبیعی تحقق و شکل می‌گیرد.

پس ضروری است که مردم را به کسب و تجارت تشویق و ترغیب نمود و با استفاده از روشهای تأثیرگذاری مطلوب، آنها را بر تلاش و نشاط بیشتر و همت بالاتر و نیز گسترش فعالیتهای شغلی در شئون مختلف واداشت و این خود سبب کاهش آمار بیکاران و رخت بر بستن روح تنبلی و رفاه‌طلبی زیانبار از میان مسلمانان و غیر مسلمانان خواهد بود.

هر گونه بی‌توجهی نسبت به این وظیفه و دیگر وظایف گذشته موجب افزایش بیکاری و فقر گردیده و خود منشأ بسیاری از انحرافات و خطرات می‌باشد: (كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا)^۲. در روایات است که چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انسانی را مشاهده می‌کردند که بیکار بوده و در پی شغل و کسبی نیست می‌فرمودند: «سقط من عینی» - از چشم من افتاد -.

اما الگوپذیری ثروتمندان از فرهنگ اقتصادی غرب در واریز نمودن اموال به حسابهای بانکی و اکتفا در امرار معاش به بهره‌های حاصله - چنانکه دیده می‌شود بعضی افراد در کشورهای اسلامی به این شیوه روی آورده‌اند - خود عاملی مهم در افزایش بیکاری و مسبب روی گردانی از تکیه بر نیرو و خلاقیت خود در امر تولید و گرایش به مصرف‌گرایی بوده و سختی و رنج این روش از کسب درآمد بر دوش کارگران می‌باشد. در حالی که این قبیل

۱- « کسی که از گذران زندگی خود در این دنیا درمانده در اندیشه اصلاح آخرت خود نخواهد بود ».

۲- « بیم آن می‌رود که فقر آدمی را به پرتگاه کفر بکشاند »، بحارالانوار: جلد ۶۹، صفحه ۲۹، حدیث ۲۶.

افراد به انسانهای عاطل و باطل تبدیل شده‌اند، جمعی برای بدست آوردن لقمه نانی برای خود و برای همین انسانها به سختی تلاش می‌کنند.

به عقیده کارشناسان مسائل اقتصادی، همواره ربا منشأ فتنه‌ها و شراره جنگها بوده است.^۱ در این میان وظایف و مسئولیتهای عدیده و مهمی بر دوش مجالس حسینی است که باید به انجام آن همت گمارند:

اول: در جهت اصلاح انحرافات در جامعه و هدایت مردم به زندگی سالم توأم با آرامش، کوشش کنند.

دوم: برای بازگشت و اجرای قانون سبق و حیازت تلاشی مستمر مبذول دارند، در حدیث شریف آمده است: ﴿مَنْ سَبَقَ إِلَى مَا لَمْ يَسْبِقْ إِلَيْهِ مُسْلِمٌ فَهُوَ لَهُ﴾^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (عَادِي الْأَرْضِ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ، ثُمَّ أَتَاهَا لَكُمْ مِنِّْي أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ).^۳

و (مَنْ أَحْيَى أَرْضًا مَوَاتًا فَهِيَ لَهُ)، «هر کس زمین مرده‌ای را آباد کند مالک آن می‌شود».^۴

۱- مسئله ربا و اسباب آن و بیماریهای ناشی از آن و نیز راههای علاج آن را مؤلف محترم در کتابهای: «الفقه:الاقتصاد» و «الاقتصاد الاسلامی المقارن» و «لماذا تأخر المسلمون؟» «البنک الاسلامی» به بحث گذارده است.

۲- «هر کس بر چیزی که مسلمانی بر آن سبقت نگرفته، سبقت بجوید مالک آن خواهد بود»، و سائل الشیعه: جلد ۱۷، صفحه ۳۲۸ با کمی اختلاف.

۳- «زمینهایی که از روزگاران قدیم متروک بوده از آن خدا و رسول است، اکنون آنها را به شما مسلمانها واگذاردم» و (من حاز ملک) «هر کس حیازت کند مالک می‌شود» از کتاب جواهر چنین بدست می‌آید که این جمله روایت می‌باشد.

۴- تهذیب الاحکام: جلد ۷، صفحه ۱۵۲، حدیث ۲۲.

سوم: نسبت به تحقق و تطبیق قاعده سلطنت بر مال و جان در جامعه اسلامی سعی وافر نمایند، زیرا (النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ) « مردم بر جان و مال خود نسبت به هر گونه تصرف صحیح و عقلی سلطه و اختیار دارند »^۱ و دیگر روایات و قوانین فقهی^۲ تا بیش از نیم قرن در تمامی شهرهای کشور پهناور اسلامی حاکم بود اما زمامداران مستبد و دیکتاتور پس از سیطره و تسلط بر کشورهای اسلامی، به امر اربابان خود شروع به جعل و وضع قوانینی کردند که نیروها، لیاقتها و خلاقیتها را محدود کرد و آزادیهای اسلامی را در بند کشید، قوانین نادرستی که با فطرت سلیم ناهمگون و با شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم ناسازگار بود مسلمانان را در چنان بحرانی گرفتار ساختند که هرگز در تاریخ اسلام سابقه نداشته است.

اکنون باید از محرم در جهت بازگشت قوانین اسلام و عزت و سیادت مسلمین، بالاترین بهره‌ها را ببریم.

۱- بحارالانوار: جلد ۲، صفحه ۲۷۲، حدیث ۷. (و قید أنفسهم: مستفاد از آیه شریفه: ﴿التَّيْبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ سوره احزاب: آیه ۶ می باشد).

۲- جهت اطلاع بیشتر به کتابهای « القواعد الفقهیه » و « الفقه: احیاء الموات » از نویسنده بزرگوار همین کتاب مراجعه شود.

دعوت و هدایت به اسلام

از دیگر زمینه‌های موجود برای استفاده تام و تمام از مناسبت عاشورا بسط و گسترش دامنه تبلیغات دینی به مناطق غیراسلامی است تا دیگران را نسبت به حقیقت و حقانیت مکتب اسلام و مذهب تشیع آگاه و هدایت و از ظلمت ادیان و مذاهب باطلشان نجات داد، اسلام به معنی و مفهوم قرآنی آن، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز آن را تطبیق و به اجرا گذاردند و امیرالمؤمنین علیه السلام هم در طول حکومت خود بر همان سیره و روش حرکت کردند، تمام هدف و مقصودش نجات بشریت از چنگال بندگی و بردگی، ظلم و جهل، استثمار و فقر، بیماری و حرص بر دنیا و هرج و مرج می‌باشد. چنانچه در آیه شریفه آمده: ﴿إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾^۱.

امروزه می‌بینیم چگونه بشریت به دلیل دوری از احکام آسمانی و تعالیم انبیای الهی در مشکلات هولناک و سختی که به دست خود ایجاد نموده دست و پا می‌زنند.^۲ در آیه شریفه آمده است: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾^۳.

۱- (چون شما را دعوت کند به آنچه که در آن حیات جاودانه یابید)، سوره انفال: آیه ۲۴.

۲- حتی در کشورهای غربی که داعیه آزادی، دموکراسی، رفاه اقتصادی و پیشرفت‌های علمی را دارند قتل، آدم‌ربایی، بیکاری، تجرد، بیماری و فقر به نحو گسترده و نگران‌کننده‌ای افزایش یافته که بنا به گزارش برخی آمارها، هم اکنون (۳۷) میلیون آمریکایی در فقر به سر می‌برند: «روزنامه‌الدستور چاپ اردن شماره (۹۴۱۱). مؤلف عالیقدر در کتاب خود «الغرب يتغير» به تفصیل بیماریهای جامعه غربی و نابسامانیهایی که غرب شدیداً به آنها مبتلا است را یادآور شده و به افول تمدن و سیادت زود هنگام غرب در صورت عدم تغییر بنیادی در اصول و سیاستهای غلطشان را امری حتمی دانسته است.

۳- (و هر کس از یاد من - و قوانین عقلی و فطری دین - روگرداند زندگی سخت و پر رنجی در انتظار اوست)، سوره طه: آیه ۱۲۴.

اینک با گذشت نزدیک به پانزده قرن از بعثت نورانی پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم هنوز شاهد بت پرستی به شکلی گسترده و وسیع در کشورهای جهان از جمله: هند، چین، ژاپن، کره شمالی، کره جنوبی و بعضی از کشورهای آفریقایی هستیم و هنوز گونه‌ای از بت پرستی و خرافه پرستی نقابدار بر زمین خدای متعال حکومت می‌کند. همانند کسانی که مسیح و یا عزیر را فرزند خدا می‌دانند یا آنها که عقیده به وجود دو خدا در جهان آفرینش هستند و حال آنکه منطق و حکم عقل و عقلا بر وحدانیت خدای متعال و صفات ثبوتی و سلبی ذات اقدس ربوبی اش دلالت دارد - که در علم کلام به آنها اشاره شده است.^۱

به تحقیق که طبیعت بشر و فطرت سلیم انسانی را بر قبول و تبعیت از راه و روش حق سرشته‌اند، ﴿فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۲.

در همه تاریخ، انسانهای معاند و عنود و غیر تسلیم در برابر حق، کم و نادر بوده‌اند که از این رو بر ما واجب است تا با به کارگیری تمام وسایل و امکانات خود از راه مجالس حسینی به نشر احکام و تعالیم آسمانی مبادرت کنیم.

تاریخ بر ما باز گو می‌کند که چگونه در نتیجه تبلیغ و ارشاد، نزدیک به هزار سال اسلام بر کشور هند حکومت می‌کرد اما به دلیل جهل و نادانی حکام و بی توجهی بزرگان قوم و پرداختن به اختلافات درونی و جنگ‌های داخلی و مسائل شخصی و به دلیل سستی و جهالت

۱- صفات ثبوتی آن صفاتی هستند که پروردگار سبحان را به آنها متّصف دانند، مانند: «قدرت» و «علم» و «حیات» و «اراده» و «ادراک» و «سرمدی» و «کلام» و «صدق».

و صفات سلبی آن صفاتی است که ذات اقدس الهی از اتّصاف به آنها منزّه است: «مرکب نباشد»، «جسم و عرض و جواهر نباشد»، «در معرض حوادث نیست»، «محتاج نیست»، «شریکی ندارد»، «با چشم سر مشاهده نشود»، «معانی و احوال از او منتفی است». برای آگاهی بیشتر به کتاب «النافع یوم الحشر فی شرح التجرید» و «شرح منظومه سبزواری» تألیف مؤلف معظم رجوع شود.

۲- (دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است)، سوره روم: آیه ۳۰.

آنان که مسئولیت سنگین تبلیغ را بر عهده داشتند، نشر و گسترش اسلام در هند رو به ضعف گذارد تا آنجا که در حال حاضر نسبت مسلمانان در آن کشور - به غیر از پاکستان - از ۲۰٪ تجاوز نمی‌کند. و باز تاریخ بیانگر این واقعیت است که به سبب تبلیغ، دین مبین اسلام تا حدی به قلب کشورهای اروپا، آمریکا و استرالیا و دیگر کشورهای جهان نفوذ نمود، که در این راستا داستانها و شواهد بیشماری بر نقش علما و تجار در نشر اسلام و هدایت بشر در سرتاسر دنیا به چشم می‌خورد. و امروز تکرار همان حرکت تبلیغی به صورت مستمر و یا لااقل به شکل موقت در موسم عاشورا، امری ممکن و دست یافتنی است، که به یقین با همیاری و همکاری تجار و ثروتمندان خیرخواه و نیکوکار در جهت نشر و گسترش افکار، عقاید، قوانین و تعالیم هدایتگر دین مبین اسلام به نحو مباشر یا با اعزام مبلغ و چاپ کتابهای آگاه کننده و توزیع و نشر آنها یا با تأسیس فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی یا با انتشار روزنامه‌ها و مجلات یا با تکثیر نوارهای کاست و ویدئو و غیر آن از راههای تبلیغی، بهترین نتیجه و بیشترین تأثیرگذاری را به دنبال خواهد داشت.

آنگاه است که با این حرکت در ابلاغ و تبلیغ رسالت حضرت سیدالشهدا علیه السلام که همانا زنده نگه داشتن معالم حق و طلب اصلاح بود، مشارکت نموده و بشریت را از ظلمت و تباهی فکری و عملی که اکنون سخت در آن غوطه‌ور و بدان گرفتار است، نجات داده‌ایم.

جمع آوری کمکهای خیریه

از مناسبتهای ویژه و مهمی که مردم به ذات لایزال الهی و رفع گرفتاری از بندگان فقیر و نیازمند خدای متعال توجه دارند دو ماه محرم و صفر است که باید از مجالس منعقد شده در طول این دو ماه در جهت جمع آوری کمکها و مساعدتهای عزاداران حسینی برای مصیبت زدگان، مستمندان و افراد بی بضاعت مسلمان و حتی غیر مسلمان بیشترین و بهترین استفاده را نمود. زیرا (لِكُلِّ كَبَدٍ حَرِيٍّ أَجْرٌ) « سیراب نمودن هر تشنه لبی دارای اجر و ثواب است » و (اِرْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ) « خلق خدا بر روی زمین را رحم کنید تا شاهد بر اعمال و کردار، رحمتان نماید ». ^۱ و چنانچه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر آب در اختیار کفار قرار دادند و امیرالمؤمنین علیه السلام لشکر معاویه در صفین و امام حسین علیه السلام کسانی که برای کشتن حضرتش در کربلا آمده بودند را سیراب نمودند. و در آیه شریفه پروردگار متعال می فرماید: ﴿ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تَقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴾ ^۲

باید از این مجالس برای جمع آوری حقوق شرعیه از خمس و زکات، جهت مصرف در موارد مقرر از جمله تقویت حوزه های علمیه و مؤسسات دینی استفاده نمود.

۱- غوالی اللئالی: جلد ۱، صفحه ۳۶۱، حدیث ۴۲.

۲- (خدای متعال شما را از دوستی با آنها که در دین با شما جنگ و دشمنی ننموده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند نهی نمی کند تا به آنها احسان نموده و به عدالت رفتار کنید به دوستی که خداوند انسانهای دادگر و عادل را دوست دارد)، سوره ممتحنه: آیه ۸.

ضروری است که خطبا و مبلغین عالیقدر با جدیت تمام مردم را بر وصیت به ثلث اموال خود جهت صرف امور خیریه و مؤسسات دینی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، فنی و خدماتی و غیره تشویق و ترغیب نمایند. البته از نکات مهم در مصرف اموال جمع آوری شده جهت امور خیریه قانون « اهم و مهم » و « حسن و احسن » است که باید به دقت تمام ملاحظه شود، مثلاً در مورد اموال جمع آوری شده جهت فقرا و نیازمندان ممکن است این اموال را به صورت نقدی در اختیار آنها گذاشت و ممکن است با رعایت جانب احتیاط آنها را در تجارت و مضاربه قرار داده و استفاده و سود آن را به صورت درآمدی مستمر برای مستمندان صرف نمود یا املاک و خانه‌هایی خریداری و اجاره داد و درآمد اجاره را به فقرا اختصاص داد و یا برای اسکان آنها منازلی اجاره شود یا خانه‌هایی خریداری شده و به صورت دائم برای سکونت نیازمندان وقف شود تا مادامی که خانواده‌هایی فقیر و محتاج هستند در آن منازل سکونت کنند، که بی هیچ شک و تردید تمام اقسام روش دوم - در صورت امکان - به مراتب از روش اول بهتر می‌باشد.

در مثل آورده‌اند: « اگر می‌خواهی فقط برای یک روز آدمی را سیر کنی، قیمت یک ماهی را به او بده اما اگر می‌خواهی برای یک عمر سیرش کنی، ماهی‌گیری را یادش بده ».

کوشش در رفع فسادهای اجتماعی

ممکن است از مراسم سوگواری ایام عاشورا در جهت ریشه کن نمودن کامل منکرات و محرمات و یا کاهش و جلوگیری از شیوع و انتشار بیشتر آن به مقدار توان و قدرت استفاده نمود که دستیابی به این امر از دو راه ممکن و مقدور است:

اول: درخواست از حکومتها و بلکه فشار بر آنها^۱ برای الغای قوانین مخالف شرع که موجب روی آوردن جمعی به محرمات می گردد^۲ - و چه بسیار از اینگونه قوانین که در کشورهای اسلامی دیده می شود -.

دوم: همت و تلاش فردی و همگانی در حد قدرت برای ریشه کن شدن منکرات، مثلاً با جمع آوری کمکهای لازم، زنانی که به دلیل فقر یا نیاز، به فحشا روی آورده اند را شوهر داد^۳ در روایت است که: «امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام زن بدکاره و فاسدی را شوهر دادند» و به این وسیله او و جامعه اسلامی را حفظ فرمودند.

یا با جمع آوری اموال، مراکز فروش مشروبات الکلی را به مراکز فروش اجناس مجاز و مورد نیاز تبدیل نمایند و یا با پرداخت کمکهای مالی، صاحبان همان مراکز را به تغییر شغل تشویق نمایند و چه بسا برخی چنین تصور کنند که اینگونه حرکتها، جزئی و کوچک بوده و نتایج مطلوب و چشمگیری بدنبال ندارد، در جواب این توهم می گوئیم:

۱- «آن فرض و واجبی که درک و انجام تامش ممکن و مقدور نیست ترک تامش هم شایسته و روا نباشد» که این قاعده پیش از آنکه قاعده ای شرعی باشد، قاعده ای عقلی است

۱- از طریق احزاب، گروهها، جمعیتهای سیاسی و اجتماعی و نیز مطبوعات آزاد و آراء عمومی.

۲- برای آگاهی و آشنایی بیشتر با اینگونه قوانین به کتاب «الصياغة الجديدة» نوشته مؤلف مراجعه شود.

۳- با تشویق و ترغیب افراد نسبت به ازدواج با آنها.

و عقل سلیم بر آن حکم می‌کند. و نیز: «هیچ گاه عدم قدرت بر اتیان کاری لازم به نحو کامل، موجب سقوط وظیفه و تکلیف نسبت به بخش قابل اتیان آن نمی‌شود».^۱

۲- در روایت شریف نبوی صلی الله علیه و آله و سلم است: (لَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ) «اگر پروردگار متعال انسانی را به دست تو هدایت کند برای تو بهتر و برتر است از آنچه که که خورشید بر آن می‌تابد».

که این حدیث شریف بر عظمت فایده و ارزش و قداست حرکتهای ارشادی و هدایتگر دلالت دارد.

۳- همین جزئیات که در بدو امر به چشم نمی‌آید یک خطّ و امتداد است و از میان رفتن ریشه فساد در یک مرکز یا یک فرد، یک خط و امتداد و بلکه امتدادی واجب و حیاتی برای تحقق معروف در جامعه می‌باشد. مثلاً بسته شدن یک مرکز فروش مشروبات الکلی و یا ممانعت از فساد یک زن در جامعه در واقع موجب صیانت و سلامت یک خانواده و یک اجتماع از بعد افقی و عمودی آن در طول زمان می‌باشد.

۴- با توجه به کثرت موارد همین جزئیات و وسعت دایره انحرافات درمی‌یابیم که برخورد صحیح و مؤثر با فرد مفاسد و معاصی در این موسم و با استفاده از مراسم عزاداری در جای خود موفقیتی بزرگ و حرکتی مفید و مطلوب می‌باشد. چرا که تعطیل شدن هزارها قمارخانه، میکده و فروشگاههای اشاعه‌دهنده فرهنگ ضد دین و اخلاق و... به مقدار قابل ملاحظه‌ای به طهارت و سلامت اجتماع می‌انجامد، گذشته از اینها نفس این حرکت موجب رضای الهی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و بندگان صالح و مؤمن و خود عمل به وظیفه شرعی نهی از منکر می‌باشد.

لازم و ضروری است که همه توان و تلاشها در بازگرداندن نسل جوان به آغوش دین، فضیلت و تقوا و نجات آنها از دام مواد مخدر و حتی سیگار^۱ و مانند آن از عاداتهای مضر

۱- به کتاب «القواعد الفقهية» تألیف مؤلف عظیم الشان رجوع شود.

برای سلامتی و بر باد دهنده مال و جان و جوانی که از مصادیق لهو و لعب در حد حرام یا مکروه می‌باشند به کار گرفته شوند.

۱- زیرا بر اساس آمارها هر ساله ۵/۲ میلیون انسان در اثر استعمال تنباکو جان می‌سپارند، « روزنامه اتحاد شماره ۵۱۵۰ ».

رعایت و عنایت به انسانها

می‌بایست تمامی مؤسسات و مراکز دینی، مجالس و هیأت‌های سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام توجه و عنایت بیشتری نسبت به جوانان، بانوان، افراد ناتوان و کودکان مبذول دارند:

توجه به جوانان: آنها بزرگان و سازندگان فردای اجتماع هستند و هر گونه اهمال و غفلت از آنها باعث انحراف سریع آنها از مسیر حق و اعتقادات صحیح و سلیم و سپس گرایش به حرکتهای انحرافی و گرفتار آمدن در شبکه‌های ضد دین و فاسد و مفسد را به دنبال دارد. و آنگاه است که نیرو و توان خیراندیش و خیر پیشه جوانان مسلمان به ابزار دستی برای بدخواهان و قدرتی مخرب و سرکش تبدیل خواهد شد.

اما مقصود از اهتمام بیشتر به نسل جوان توجه دقیق‌تر و عمیق‌تر به امر تعلیم و تربیت آنها و فراهم‌سازی زمینه‌های اشتغال در کارهای شرافتمندانه و نیز رفع مشکلات موجود و زمینه‌سازی برای ازدواج آنها و... می‌باشد.

لزوم توجه به بانوان: آنها انسانهایی عاطفی بوده و بیشتر در معرض خطرات احتمالی همچون کشیده شدن به انحرافات و اعمال منافی عفت از سوی تبهکاران هستند و از نظر مال‌اندوزان و پول‌پرستان کالا و وسیله‌ای برای سود بیشتر می‌باشند.^۱

ضروری است نسبت به شوهر دادن آنها همت نموده و از بی‌شوهر ماندنشان که اضافه بر بیماریهای روانی و جسمی، موجب بیماری اجتماعی نیز می‌گردد جلوگیری شود. باید به بانوان و پدران و همسران آنها این نکته را گوشزد نمود که همواره برخوردها و معاشرتهای میان زن و شوهر باید به دور از خشونت و پرخاشگری و کاملاً انسانی و مطابق با قوانین

۱- استفاده از آنها در آگهی‌های تبلیغاتی و کالاهای مصرفی در جهت ارائه مدهای جدید کفش و لباس.

اسلامی - که در برگیرنده حقوق شرعی آنها و ضامن یک زندگانی پر مهر و سالم است-^۱ بوده باشد که در حدیث شریف است: (عَلِمَ اللَّهُ ضَعْفَهُنَّ فَرَحِمَهُنَّ) « به دلیل کم تحملی و توان اندک آنها در برابر ناملایمات و سختیهای زندگی، پروردگار متعال نسبت به آنان رعایت و سفارش افزون تر فرمود ».

لزوم توجه نسبت به افراد ناتوان و درمانده: آنها به عنایت و رعایت حال بیشتری نیازمند هستند، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام چون نصرانی پیری را مشاهده کردند که دست نیاز به سوی دیگران دراز کرده فرمودند: (اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَعَجَزَ تَرَكْتُمُوهُ)، « از نیرو و توان او در جوانی بهره بردید حالا که پیر و ناتوان شده او را به حال خود رها کرده اید؟! » و بی توجهی به افراد محتاج و نیازمند در یک جامعه، خود نشانه اجتماعی متأخر و دور از فرهنگ صحیح و اصیل می باشد. وانگهی آیا همین جوان امروز در فردایی همان پیر ناتوان نخواهد شد، این بدان معنی است که این جوان، فردای خود را همانند او، غرق در گرفتاری و سرگردانی و فاقد هر گونه ارزش اجتماعی می بیند. او از امروز برای خود ارزش و احترامی قایل نخواهد بود و تبعاً دست به هر کار خلاف و ناشایستی خواهد زد، در آیه شریفه است:

﴿ اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ وَاِنْ اَسَاءْتُمْ فَلَهَا... ﴾^۲

کودکان: امتی که در اندیشه سعادت و سلامت اجتماع خود می باشد باید که به نسل فردای خود در همه زمینه ها از جمله در امر بهداشت و سلامت روح و روان آنها توجه کافی و کامل داشته باشد که فرزندان امروز عصای دست پدران و مادران در فردای دیگر خواهند

۱- مؤلف محترم واجبات و حقوق خانواده را در دوره فقه « کتاب النکاح » و « الفقه: الاداب و السنن » مورد بحث و بررسی قرار داده است.

۲- (اگر به دیگران نیکی و احسان کردید در حقیقت به خود نیکی کرده اید و اگر نسبت به دیگران بدی و ظلم و ستمی روا داشتید آن بدی و ظلم و ستم را به خود کرده اید)، سوره اسراء: آیه ۷.

بود، پس از گذشت سالها همان آموخته‌ها را به کار می‌بندند، « و آن کس که نیکی نکند به او نیکی نشود » و « آنچه به دست راست خود دادی، همان را با دست چپ باز می‌ستانی ».

واقعیت‌های موجود ایجاب می‌کند که خطبا و مسئولین اداره‌کننده هیأتها و مجالس هر چه بیشتر نسبت به ارتقای کیفی و بازدهی بهتر مجالس خود همت کنند تا مجالس حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام همواره سرچشمه فکر و آگاهی باشد و در این راستا می‌بایست نسبت به حوادث و رویدادها تحلیل‌های علمی و دقیق داشته، گذشته تاریخ را به حال و آینده مرتبط ساخته و تطبیق نماید، زیرا اجتماع بدون توجه به این امور هرگز نمی‌تواند در برابر خطرات بی‌شمار و حرکت‌های مرموزی که از هر سو آن را احاطه کرده‌اند مقاومت نموده و با آنها مقابله کند، باید سطح علمی و فکری سخنرانها عمیق باشد تا بتوان جوانها را در برابر طوفانهای ویرانگر انحراف، در دین و مذهب استوار و پایدار نگه دارد چرا که سطحی‌نگری و بی‌تفاوتی نسبت به رویدادها و تحولات استعمارگران در کشورهای اسلامی غالباً جز گرفتار شدن در زندانها و سیاهچالها یا فرار از وطن و زادگاه و یا سر از قبرستان درآوردن عاقبتی ندارد. و حال آنها به تشبیه شاعر می‌ماند: « همانند یک پر که بی‌هیچ استقرار در جهت وزش باد، سرگردان و حیران بوده، لحظه‌ای از حرکت و اضطراب باز نمی‌ایستد ».

پس بر مسئولین و اداره‌کنندگان مجالس و هیأتهاست که به نکات ذیل توجه لازم را مبذول دارند:

الف) درخواست و تقاضا از خطبا و سخنرانان برای آنکه محور سخنرانیهای خود را نیازهای معنوی و دینی مردم از مسائل عقیدتی، تاریخی و اجتماعی و روانی قرار دهند و این خود بهترین روش و وسیله برای جذب مردم به شاهراه ایمان و هدایت و وارد نمودن معالم دین و فضیلت در زندگی آنهاست.

ب) دعوت از برترین سخنرانانی که قدرت بر ادای این مسئولیت و وظیفه خطیر را دارا باشند که در حقیقت برای هدایت و اصلاح جامعه و حتی یک فرد نمی‌توان ارزش و بهای مادی قایل شد، همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: (لَنْ يَهْدِيَ

اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ) «اگر پروردگار متعال به دست تو انسانی را هدایت نمود برای تو بهتر و برتر خواهد بود از آنچه خورشید بر آن می‌تابد».

ج) سخنرانی‌هایی که در آن مراکز صورت گرفته را تنظیم، تدوین و در میان مردم توزیع و منتشر نمایند.

اما موفقیت در سخنرانی متوقف بر وجود شرایطی است:

۱- باید احساسات عاطفی شنوندگان را تحریک و در مسیر خیر و صلاح و اصلاح به حرکت درآورد تا منبری آگاه‌کننده و توجیهی موفق باشد، پس اگر فرد به مجلس قدم بگذارد و در پایان بی‌هیچ توجیه دینی و اخلاقی و بدون کسب آگاهی‌های مذهبی از آنجا خارج شود، در واقع این نشانگر عدم موفقیت آن منبر و مجلس می‌باشد.

۲- باید سطح معلومات سخنرانان محترم در ابعاد و زمینه‌های مختلف بالا رود، زیرا هر چه علم و دانش انسان بیشتر باشد، قدرت و توان او بر توجیه و هدایت مردم فزون‌تر و به واقعیات نزدیک‌تر خواهد بود و با بالا بودن سطح معلومات، استقامت در برابر ناملازمات بیشتر و از لغزشها و افراط و تفریطها دورتر می‌باشد و از این رو است که در آیات کریمه و روایات شریفه همواره بر تفکر و تدبیر، سیر و سفر در زمین، عبرت گرفتن از تاریخ گذشتگان و مسائلی از این قبیل اشاره و تأکید شده است.

۳- باید شخص سخنران ملکه ربط حوادث و رویدادها به یکدیگر را؛ خحقق در شنوندگان خود بارور و تقویت کند و آنها را به فهم و درک آیات و روایات و استنباط صغری و کبری و رد فروع بر اصول - در حد آگاهی‌های خود - وا دارد، به گونه‌ای که در مقابل شبهه‌های عقیدتی و فکری و تاریخی که گروههای منحرف و ملحد در میان مردم رواج می‌دهند هیچ گونه خللی در آنها به وجود نیاورده و بلکه موجب شود تا آنها به توجیه دیگران و هدایت گمراهان و گرفتارآمدگان در دام بدخواهان پردازند.

۴- ملاکهای کلی که بر اساس آن از مصداقی به مصداق دیگر دست یابند و نیز میزان در مسائل مختلفه را به گونه‌ای بشناسد که در غیر مورد تعدی، دست‌درازی ننموده و در مورد تعدی، جامد و متوقف نماند.

۵- باید منبرها و سخنرانیها مملو از داستانهای واقعی عبرت‌انگیز و حکمتهای هدایتگر باشد چرا که بیان داستان توجه شنونده را جلب و حواس او را جمع نموده و چنان روح و روان و درک او را تحت تأثیر قرار می‌دهد که عکس‌العمل آن به وضوح در رفتار و کردار او نمایان می‌شود و ناخودآگاه شخصیت‌های داستان به منزله یک الگو و معلم چه از بعد مثبت یا بعد منفی آن، برای او جلوه می‌کنند.

و می‌بینیم که قرآن حکیم سرشار از داستانهای عبرت‌انگیز و آموزنده و احساس برانگیز است و بدین گونه روش سیر و حرکت صحیح در زندگی را با بیان داستانهای انبیا و انسانهای اصلاح‌طلب و عاقبت و پایان هر ظلم و شری را در ضمن داستانهای جباران و جنایت‌پیشگان به انسانها می‌نمایاند.

بیان داستانهای آموزنده غیرواقعی که در قالب نمایش و تصویر ذکر می‌شود و آنچه از زبان حیوانات و درختان و ستارگان و حتی جمادات ساخته شده است نیز مفید می‌باشد. چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم عدم نهی از منکر در جامعه را به جماعتی تشبیه فرمودند که بر کشتی سوارند و یکی از آنان به سوراخ کردن و کندن کف کشتی مشغول است، اگر دیگران او را از این عمل باز داشتند هم او و هم سایرین هلاک خواهند شد. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام اختلاف و تشتت میان افراد را به داستان سه گاوی تشبیه فرمودند که شیری یکایک آنها را درید پس از آنکه با یک نقشه میان آنان تفرقه انداخت.

جواب به این شبهه که داستانهای ساختگی مطابقت با واقع نداشته و از مصادیق کذب و دروغ است این می‌باشد که اصح معانی دروغ عدم مطابقت عرفی کلام با هدف و مقصود

است^۱ و مواردی اینگونه اهدافی کاملاً عقلایی و عرفی را پرس و جو و دنبال می‌کند، از این رو مثل معروف « فلان شخص خاکسترش بسیار و حمایل شمشیرش بلند است » و یا ما شبه آن دروغ نیست در صورتی که شخص مورد ستایش نه خاکستر و نه حمایل شمشیری داشته باشد.^۲

نیز اشاره به زبان حال افراد و اشخاص صحیح است چرا که این عمل هم هدف خاصی را دنبال می‌کند، همان‌طور که نوشته‌اند امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در کنار قبر مطهر حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام این زبان حال را زمزمه می‌فرمودند:

قال الحبيب و کیف لی بجوابکم و أنا رهین جنادل و تراب

أکل التراب محاسنی فنسیتکم و حجبت عن أهلی و عن أترابی

« دوست بگفتا چگونه جواب شما را دهم در حالی که من اسیر خاک و صخره‌هایم، «خاک همه خوبیها و زیباییهایم را بپوشانید تا جایی که شما را فراموش کردم و از خانواده و همسالان خود پنهان گشتم».

و پیش از آن، حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

« صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبٌ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَيَّ الْإِيَّامِ صِرْنَ لَيَالِيَا »

« چنان دریا‌های مصیبت بر من فرود آمد که اگر بر روزهای روشن فرود می‌آمدند هر آینه آنها را به شبهای تیره و تاریک می‌ساختند».

مشهور میان فقها آن است که مبالغه، توریه، اغراق و شوخی از فروع دروغ نیستند، بلکه ترک شوخی و هزل استناداً به فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مستحب

۱- از دیگر تعریفهایی که برای دروغ گردیده: « عدم مطابقت قول با واقع خارجی » و « عدم مطابقت گفته با اعتقاد درونی » است.

۲- این گونه ضرب‌المثل‌ها در کتاب مطول نوشته تفتازانی بسیار دیده می‌شود.

می باشد که فرمود: « مَنْ تَرَكَ الْكِذْبَ جِدَّةً وَ هَزَلَهُ بُنَى لَهُ بَيْتٌ فِي رَبْضِ الْجَنَّةِ »، « هر کس دروغ را چه جدی و چه شوخی ترک کند در وسط بهشت برای او خانه‌ای بنا کنند ».

۶- باید منبر محرک، آگاهی بخش و با هدف باشد که قرآن کریم و سنت تاریخ و حقیقت انسان معاصر سرشار از اینهاست و از جمله محرکها و دعوت کننده به تقدم و پیشرفت، مقارنه در امور و مقایسه میان امتهای تمدنها و شهرها است.

مثلاً عراق کشوری با بیست میلیون جمعیت است که در شدیدترین حالات انحطاط سختی و بیچارگی و تأخر زندگی می کند در حالی که کشورهای اسکاندیناوی هم که جمعیتی بیست میلیون نفری دارند در حالتی از استقلال و پیشرفت رفاه و آرامش زندگی خود را سپری می کنند، دلیل و عامل این تفاوت آن است که در عراق دیکتاتوری و استبداد فردی حاکم است اما در کشورهای اسکاندیناوی دموکراسی و تعداد احزاب آزاد حاکم می باشد. همین مقایسه و شناخت سبب، امت عراق را برای نجات از شر دشمن دیکتاتور به حرکت وامی دارد. و همچنین است مقایسه و مقارنه میان صبر و استقامت، عجله و عدم پایداری، امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که در جنگ هاشم مرقال^۱ را مشاهده فرمود که دلیرانه نمی جنگد، خطاب به او فرمود: (أَمَا تَخْشَى أَنْ يُقَالَ لَكَ أَعْوَرَ وَ جَبَانٌ ؟) « آیا نمی ترسی تو را یک چشم و ترسو خطاب کنند » و این در حالی بود که او در جنگ قبل یک چشم خود را از دست داده بود، هاشم با این بیان امام امیرالمؤمنین علیه السلام بی باک از همه خطرات چنان به جنگ و مبارزه پرداخت تا که به مقام شهادت نایل آمد.

و نیز مقایسه و بررسی وضعیت مسلمانها در گذشته و حال، که در گذشته چگونه بوده و اکنون چگونه اند و مقایسه میان صفات والا و صفات رذیله و زشت و یا میان اخلاق نیکو و شایسته و اخلاق ناپسند و یا قیاس میان همتهای بلند و اشخاص بی همت و مانند آن، زیرا

۱- پوشیده نماند که هاشم مرقال پسر عموی عمر بن سعد - قاتل حضرت سیدالشهدا علیه السلام می باشد.

اینگونه مقایسات و مقارنات انسان را به سوی کار و تلاش و مداومت و مواظبت بر آن می‌کشاند و فطرت انسانی، همواره آدمی را وامی‌دارد تا در هر کاری سرآمد دیگران باشد و برای رسیدن به این مقصود و اینکه دیگری بر او پیشی نگیرد سعی و تلاش بسیار نماید.

در روایت است: (لَا يَخْلُو الْإِنْسَانُ عَنِ الْحَسَدِ) « آدمی از خصلت حسد خالی نیست ». که حسد در اینجا آن نیروی حرکت‌دهنده انسان به جلو و تقدم و پیشرفت است، نه حسد نکوهیده و مذمت شده.

که حسد - در اصل - حکم اسلحه را دارد، اگر در راه نابود ساختن دشمنان خدا و رذیلتها بکار رود امری پسندیده و نیک است و اگر در جهت جنگ با اولیای خدا و محو فضایل اخلاقی بکار رود امری زشت و ناپسند می‌باشد و آن حسد مذموم اگر بر زبان و در حرکت ظاهر شود حرام است اما اگر ظهور نیافت، تنها صفتی ناپسند و بد می‌باشد. لذا در حدیث درباره حسد آمده است: (مَا لَمْ يَظْهَرْ بِيَدٍ وَلَا لِسَانٍ) (مادامی که به دست یا زبان ظاهر نشود و در آیه شریفه آمده: ﴿ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴾^۱)

۷- لازم است که منبر تکامل یافته و مشتمل بر ابعاد مختلف و شئون زندگانی و دربردارنده تحلیل و تعلیلهای و اشاره به لازمها، ملزومها و ملازمها باشد زیرا اگر شخص سخنران از مسائل عبادی مانند نماز و روزه و حج تنها از بعد عبادی آن سخن گفت و یا از صفات اخلاقی مانند راستگویی، وفا، امانت، ایثار و... تنها از بعد اخلاقی آن بحث نمود و هیچ‌گونه توجهی به دیگر شئون و نیازهای زندگانی اجتماع مانند سیاست، اقتصاد، عقاید و مسائل اجتماعی نداشت مردم از اطراف او پراکنده می‌شوند، در حالی که مسائل عبادی و اخلاقی خود نیز دارای جوانب مهم دیگری همچون جوانب اجتماعی، حقوقی و سیاسی می‌باشند. و لذا می‌بینیم که قرآن کریم در تمامی مراحل زندگانی دستورات حیات‌بخش خود را به بشر ارائه فرموده در حالی که از مسائلی مانند: امت واحده، آزادی، برادری،

۱- (و از شر حسود بدخواه چون به رشک و حسد دست زند)، سوره فلق: آیه ۵.

مشورت، برابری در برابر قانون، کرامت انسانی، تجارت و زراعت سخن می گوید، به احکام و واجبات شرعی و مسائل اعتقادی نیز اشاره فرموده است. همچنان که از ابعاد و زوایای دیگری هم شئون عبادی را مورد توجه قرار داده و بر آن تأکید فرموده است:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾^۱

بر خطیب توانمند است که در مواجهه با مسائل و رویدادها تحلیل دقیق و صحیح نموده و گونه‌های انحطاط و انحراف را تبیین و باعث وجود اشیا و اسباب و علل آنها را ارائه دهد، چرا که بیان پی‌درپی داستانها و وقایع گذشته و برخورد سطحی و ظاهری با امور هیچ‌گونه جوششی در شنوندگان به وجود نمی‌نماید. در حالی که در قرآن حکیم اکثر موضوعات شرعی و تاریخی که بدان اشاره شده و علت آن را حتی به نحو اختصار بیان می‌دارد، به عنوان مثال:

در بیان علت وجود روزه فرمود: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۲

و در علت وجوب نماز فرموده: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾^۳ و در علت تحریم غیبت فرمود: ﴿أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾^۴

-
- ۱- (و مردم را به ادای مناسک حج آگاه کن... تا منافع « دنیوی و اخروی » در آن برای خود فراهم بینند)، سوره حج: آیات ۲۷ - ۲۸.
 - ۲- (بر شما نیز همانند امتهای گذشته روزه گرفتن فرض و واجب شد و این فرمان برای آن است که پرهیزکار و متقی شوید)، سوره بقره: آیه ۱۸۳.
 - ۳- (نماز را برای یاد من بپا دار)، سوره طه: آیه ۱۴.
 - ۴- (آیا از شما کسی دوست دارد گوشت مرده برادر خود را بخورد؟!)، سوره حجرات: آیه ۱۲.

و در عِلَّتِ تحریم ربا فرمود: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ وَيُرِي الصَّدَقَاتِ﴾^۱ با توجه به اینکه طبیعت ربا ویرانگر و طبیعت صدقه موجب رشد و نمو جامعه می گردد.^۲

اما در مسائل تاریخی: در بیان عِلَّتِ تبعیت قوم بنی اسرائیل از فرعون فرمود:

﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ﴾^۳ و ﴿كَانُوا خَاطِئِينَ﴾^۴

همچنین در بیان عِلَّتِ پیروزی و نصرت مسلمانان در جنگ بدر فرمود: ﴿وَيُقَلِّلُكُمْ فِي

أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا﴾^۵

اما از جهت تحلیل واجب است که:

اولاً: رخدادها و رویدادها و اقسام و اشکال آن شناخته و حرکتهای انحرافی از واقعی

تفکیک شود.

ثانیاً: از طریق تأمل و تدبر و بهره‌برداری از تجربه گذشته از لغزشها و گرفتار شدن در

اشتباهات اجتناب گردد، پروردگار متعال جل جلاله می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قِصَصِهِمْ عِبْرَةً

لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾^۶ و ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى﴾^۷، (که در هلاکت^۷ و نیز برای دستیابی

به نقاط صلاح و اصلاح کوشش گردد، زیرا اگر ما اسباب و علل سقوط دولت قاجار و

۱- (پروردگار متعال سود منفعت ربا را از بین برده و صدقات را رشد و افزون فرماید)، سوره بقره: آیه ۲۷۶.

۲- برای آگاهی بیشتر به کتاب علل الشرایع صدوق قدس سره مراجعه شود.

۳- (او با توسل به روشهای باطل قوم خود را ذلیل و زیون گردانید تا او را مطیع و فرمانبردار باشند)، سوره زخرف: آیه ۵۴.

۴- (آنها بسیار خطاکار و نادان بودند)، سوره قصص: آیه ۸.

۵- (و شما را در چشم آنها اندک جلوه داد تا ساز و برگ کافی تهیه ننمایند، تا آنچه را که مقدر فرموده «غلبه اسلام و و نابودی کفر» انجام شود)، سوره انفال: آیه ۴۴.

۶- (همانا در حکایتها و داستانهای آنان برای صاحبان عقل و تدبیر عبرت خواهد بود)، سوره یوسف: آیه ۱۱۱.

۷- (که در هلاکت و نابودی او، عبرتی برای آنها که از خدا می‌ترسند، می‌باشد)، سوره نازعات: آیه ۲۶.

عثمانی^۱ یا صفویه که بر کشورهای اسلامی حکومت می کردند را شناختیم، در صورت برپا شدن حکومتی اسلامی از آن اشتباهات پرهیز خواهیم نمود و همین مسئله نسبت به هر سقوط و قیام و تأخر و تقدم و هلاکت و نجاتی چنین خواهد بود و نیز در هر امری از امور حیاتی.

۸- باید در برابر مشکلات و گرفتاریهای مردم احساس مسئولیت نموده، جهت یافتن راه حل و ترمیم خرابیها و ساختن آینده ای محکم و مستحکم اهتمام ورزید که طبیعت آدمی توجه و عنایت نسبت به نیازهای زندگیش می باشد و طبعاً به گرد آنها که زمینه های آموزش، کسب و تجارت، ازدواج، امنیت و رفاه و از این قبیل را برای او فراهم می آورند جمع شده، آن وقت است که ارشادات و سخنان دینی او در عمق جانها بیشتر نفوذ نموده و شجره ایمان در قلبهایشان ریشه می دواند. اما باز آدمی را عادت بر آن است که به مسائل زندگی خود بیش از مشکلات و مسائل دیگران اهتمام می ورزد، مثلاً آنقدر که در اندیشه حل مشکل مسکن خود می باشد، در اندیشه یک حادثه تلخ و ناگواری که در چین اتفاق می افتد نیست و آنقدر که به فکر درآمد و مخارج زندگی خود هست در فکر فاجعه گرسنگی در جنوب آفریقا نمی باشد.

پس بنابر آنچه گفته شد اقتصار و اکتفا بر بیان سرگذشتها و وقایع گذشته و اشاره ای یک بعدی به بحثهای اعتقادی و شرعی و یا تاریخی بدون بررسی و بهره برداریهای لازم و بی هیچ ربط آن رویدادها به زمان کنونی و در کنار آنها بدون توجه و چاره اندیشی برای آنها سبب می شود تا مردم از آن سخنران و یا حتی همه سخنرانان فاصله بگیرند و البته بر اهل تحقیق، دلالتهای عدیده و دقیقه و ظرافتهای کلام خالق متعال پوشیده نیست که فرمود:

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾^۲

۱- دلایل و علل سقوط دولت عثمانی را مؤلف عظیم الشان در کتاب «موجز عن الدولة العثمانية» بیان نموده اند.

۲- (باید بپرستند خدایی را که همه آنها را از گرسنگی سیر و از خطرات و واهمه ها ایمن ساخت)، سوره قریش: آیات ۳-۴.

در روایت است که امام صادق علیه السلام فرمود: (كُؤُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُؤُوا عَلَيْنَا شَيْنًا)
« مایه زینت و آبروی ما باشید و نه مایه دشمنی و عار بر ما ».^۱

پس اگر مردم یک شهری با مشکل کمبود مسکن مواجه بودند، چنانچه خطیب راه حل نجات از آن بحران را با تطبیق قانون اسلام ﴿ الْأَرْضُ لِلَّهِ وَ لِمَنْ عَمَّرَهَا ﴾^۲ مالکش می باشد، ارائه دهد مردم آن شهر او را همچون شمع در میان خود می گیرند.

چنانچه در شهر دیگری مشکلات فراوانی فرا راه مسئله ازدواج جوانان قرار داشت، اگر سخنران فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم : ﴿ خَيْرُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَقْلَهُنَّ مَهْرًا ﴾^۳ « برترین و بهترین زنان امت من آنهاییند که در پیمان زناشویی مهر و صدیقی کمتر دارند »^۳ و روایاتی از این باب که جملات و سختگیریهای نابجا در امر ازدواج را نفی نموده و به ساده بودن در زندگانی دعوت می کند را برای مردم تبیین و تشریح و آنها را به پیروی و تبعیت از آن دستورات فرا خواند، مردم به دور او جمع می شوند و یا در دهها گرفتاری و مشکلات روزمره اجتماعی و راههای نجات از آنها.

۹- در حدیث شریف است: (قُولُوا لِلنَّاسِ مَا يَعْرِفُونَ) « بر مردم آنچه را که توان درکش را دارند بازگو کنید ». بر شخص سخنور است که همواره به این حدیث عمل کند، زیرا انسجام با مردم و تفکر و اندیشه در نیازهای فطری و طبیعی آنها و پیش رفتن و سخن گفتن تدریجی با آنها بیان آنچه که درک و فهم و یا طبیعتشان تحمل آن را دارد، از مهم ترین اسباب و راههای نفوذ در دلها و رسانیدن مرحله به مرحله پیام دین و حق به آنهاست، که خالق متعال اجتماع و انسانها را اینگونه آفریده است.

۱- بحارالانوار: جلد ۶۵، صفحه ۱۵۱، حدیث ۶.

۲- (زمین از آن خدا و هر کس آن را آباد کند).

۳- مستدرک الوسائل: جلد ۱۴، صفحه ۱۶۰.

در مضمون حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سخن گفتن با مردم مماشات می فرمود چون از دنیا سخن می رانند با آنها پیرامون دنیا سخن می گفت و چون درباره آخرت به بحث می نشستند با آنها از آخرت سخن می فرمود این خود از اهم ارکان بلاغت و پایه های روش صحیح تعلیم و تربیت مردم می باشد و در حدیث دیگر است که هرگز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با مردم در حد کمال عقل کامل خود سخن نفرمود و بلکه می فرمود: (اَنَا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ) « خدای تبارک و تعالی ما جماعت انبیا را امر فرمود تا با مردم به مقدار عقل و فهمشان سخن بگویم ». ^۱ و شاید در دلالت و اشاره آیه شریفه این نکته نیز مدنظر باشد ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ ﴾ ^۲.

و عملی شدن این شرط ممکن نیست مگر با تداوم و استمرار معاشرت و برخورد با مردم ^۳ چنانچه در وصف امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام آمده است: (كَانَفِينَا كَأَحَدِنَا) ^۴ «در میان ما چون یکی از ما بود» و در نزول تدریجی آیات پیرامون حرمت شراب و غیر آن، خود دلیلی بر اثبات و صحت این سخن می باشد.

۱۰- بر خطیب و سخنران است که قبل از هر چیز در انجام این امور و دستیابی به آنها از ذات لایزال الهی طلب استعانت و مدد بنماید که هر چیز و همه چیز تماماً در تحت قدرت اوست.

حاجی سبزواری می گوید:

۱- بحارالانوار: جلد ۱، صفحه ۸۵، حدیث ۷.

۲- (ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستایم مگر آنکه به زبان آنان آگاه باشد تا بر آنها (معارف و احکام الهی) را بیان کند)، سوره ابراهیم: آیه ۴.

۳- البته رعایت کامل این شرط فقط مختص به خطیب نیست، بلکه بر هر شخصیتی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امثال آنها رعایت آن لازم و ضروری است.

۴- بحارالانوار: جلد ۴۱، صفحه ۱۴۷، حدیث ۴۵.

أَزْمَةُ الْأُمُورِ طُرّاً بِيَدِهِ وَ الْكُلِّ مُسْتَمِدٌّ مِنْ مَدَدِهِ

« کلید و ریسمان همه چیز در ید او است و همه مدد و یاری او می طلبند. »^۱

در مثل آورده‌اند: آنچه برای خداست رشد و نمو می کند و آنچه برای غیر خداست محو و نابود می شود.

همچنان که بر خطیب است تا به انبیای الهی و چهارده نور تابناک عصمت و طهارت « صلوات الله علیهم اجمعین » متوسل شده تا شفیعان او به درگاه الهی و واسطه برای سعادت دنیا و آخرت و توفیق روزافزون در هدایت و ارشاد مردم باشند، چنانکه در آیه شریفه پروردگار سبحان می فرماید:

﴿ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ﴾^۲

البته شایسته است در هر منطقه و ناحیه‌ای، مؤسسه و مرکزی تشکیل شود تا نسبت به عملی شدن نقاط مذکور در این کتابچه پیگیری و در جهت رفع موانع احتمالی اقدامات لازم را انجام دهد.

از خدای متعال تفضل بر همگان به آنچه موجب رضایت ذات اقدسش می باشد را مسئلت داریم.

قم مقدس

محمد شیرازی

۱- شرح منظومه سبزواری: صفحه ۸.

۲- (در کسب رضایت و قرب به پروردگار متعال « شفاعت اولیائش را » وسیله قرار دهید)، سوره مائده: آیه ۳۵.